

## مقدمه‌ی حذف شده در چاپ سوم کتاب

### سفره‌ی مردار شاهنشاهی

یک نگاه سریع و کوتاه به نوع عمل استعمارگران و ایادی صهیونیستی آنان در ایران شاهنشاهی، به روشنی معلوم می‌دارد که یکی از زمینه‌های اصلی فعالیت آنان، پوک و پوچ کردن فرهنگ‌ها و نابود ساختن و فاسد نمودن زبان ترکی، زبان اصلی مردم ایران بود. در ایران، این مسیر با بازی‌های سیاسی گوناگونی شروع شد.

بازی تغییر خط: یکی از بازی‌ها، بازی تغییر خط بود که احمد کسری یکی از خدمتگزاران راستین استعمار، آن را بنیان نهاد نخستین زمزمه‌ها مربوط به اوست. او حتی نوعی خط تازه هم اختراع کرد.

فردوسی بازی: بازی دوم «فردوسی بازی» بود که محمد علی فروغی «یهودی میهن فروش» معروف در ۱۳۱۳ ش. بنیان نهاد و از ابتکارات او، آن بود که انتساب مثنوی «یوسف و زلیخا» به فردوسی را انکار کرد و این انکار، هنور هم باقی است.<sup>۱</sup>

بازی ترکی‌ستیزی: بازی سوم «ترک ستیزی» و «ترکی زدایی» بود که در گسترده‌ای وسیع و با امکاناتی فراوان و با هدف پنهان اسلام زدایی و دین ستیزی در این کشور راه اندازی شد. نفی و انکار زبان ترکی، بیگانه دانستن ترکان در ایران، ایجاد احساس کهتری در ایرانیان ترک زبان که اکثریت ملت ایران را تشکیل می‌دادند، توهین و اهانت به بزرگان حکومت‌آفرین ملت ترک ایران مانند سلطان غازی یمین الدوله محمود، طغول سلجوقی، الب ارسلان، ملک شاه سلجوقی، آق قویونلوها، قاراقویونلوها، شاه اسماعیل ختایی و موجه جلوه دادن سیمای شاهان فاسدالاخلاق نظیر خسرو پرویز، انوشیروان، امیرنوح سامانی، کریم خان زند و غیره، امحاء و نابود ساختن متون مکتوب ترکی در کتابخانه‌ها، از اهم وظایف ترکی‌ستیزان بود.

تدوین سیاست ترکی‌ستیزی: تدوین سیاست کلان ترکی‌ستیزی در ایران، از دهه‌ی ۳۰ به این سو به عهدی پنج لژ معروف فراماسونری یعنی «لژ کوروش» (تأسیس: ۱۹۶۰)، «لژ اصفهان» (تأسیس: ۱۹۶۸)، «لژ خیام» (تأسیس: ۱۹۶۲)، «لژ آریا» (تأسیس: ۱۹۶۲) و «لژ صفا» (تأسیس: ۱۹۶۲) گذاشته شد و افراد ترکی‌ستیز بدنامی نظیر ذبیح‌الله صفا شهمیرزادی به سردمداری این لژها منصوب شدند. به دنبال تحقق انقلاب اسلامی در ایران، گرچه در ارکان این لژها لرزه افتاد، اما ترکی‌ستیزان به نفوذ دادن عوامل خود در ارگان‌های فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی اهتمام کردند و در دانشگاه‌ها، بیویژه در دانشکده‌های ادبیات و مراکز تألیف و تدوین کتب درسی تاریخ، ادبیات، جامعه‌شناسی، دانش اجتماعی و جز آن، و به برکت بی‌اعتنایی برخی از مسئولان، نهادهایی نظیر «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و مراکز تألیف دائره المعارف‌ها و بنیادهایی نظیر آن به تبلیغ خرافه‌های پان ایرانیستی، شوونیستی و ملی‌گرایی‌های آرایی و پان فارسیسم می‌پردازند و موزیانه به اجرای سیاست‌های ترکی‌ستیزی فراماسونری ادامه می‌دهند.

<sup>۱</sup> دراین باره رک. یوسف و زلیخای فردوسی، با مقدمه‌ی نگارنده، نشر آفرینشش، تهران، ۱۳۶۹.

بازی باستان‌شناسی:

بازی دیگر، بازی باستان‌شناسی بود. بازی باستان‌شناسی در ایران، در آغاز عصر حاضر و توسط صهیونیست معروف، «ارنسن هرتسفلد»<sup>۲</sup> آغاز شد. «هرتسفلد» با کمک مالی دویست هزار دلاری صهیونیه، توانست که در تخت جمشید چند متخصص و صدها تن کارگر بومی را به خدمت بگیرد.<sup>۳</sup> او در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳ ش.) گزارش جامعی از حفريات تخت جمشید تهیه کرد و آن در سال ۱۹۲۸ در برلین چاپ کرد و در سال ۱۹۳۰ با هماهنگی دولت رضا خان، خرابه‌های تخت جمشید به پایگاهی برای بازی‌های باستان‌شناسی صهیونیستی درآمد و منتج به آن شد که در سال ۱۳۵۰ توسط صهیونیسم بین الملل «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی» تشکیل گردید.

مزدوران صهیونیست‌ها:

در یکی از پروتکل‌های صهیونیستی آمده است که: «ما، همه‌ی درباره‌ای دنیا، مخصوصاً خاورمیانه را پر از مردان و زنانی کردایم که نزد آنان محبوبیت داشته باشند، اما مزدور ما هستند.»<sup>۴</sup> جنبش صهیونیسم با شعار فریبنده‌ی بازگشت به ارض موعود در سال ۱۸۸۰ شکل گرفت. نخستین کنگره در سال ۱۸۹۷ به ریاست «هرتسیل» در شهر «بال» سوئیس برگزار شد و اعلامیه «بالفور» در سال ۱۹۱۷ نتیجه‌ی آن بود. و از آن تاریخ، حرکت صهیونیستی شتاب گرفت تا جایی که در سال ۱۹۴۸ تأسیس رسمی دولت اسرائیل اعلام گردید و در سال ۱۹۶۷ قدس اشغال شد و در سال ۱۹۷۱ جشن‌های ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی را در ایران برگزار کرد و این همه با کمک دولت دست نشانده‌ای چون دولت شاهنشاهی ایران انجام پذیرفت.

برنامه‌ریزی صهیونیسم:

پس از برپایی کنفرانس شهر «بال» در سال ۱۸۹۷، صهیونیست‌ها نخست تلاش کردند که سلطان عثمانی را متقاعد سازند تا بتوانند به بیت المقدس دست پیدا کنند و یکی از فراماسون‌ها به نام «امانوئل کارازی» را روانه‌ی ملاقات با سلطان کردند. صهیونیست‌ها توسط او به سلطان عثمانی پیشنهاد دادند که:  
۱- کلیه‌ی بدھی‌های دولت عثمانی را که معادل ۳۳ میلیون لیره‌ی طلای انگلیسی بود، بپردازند.  
۲- ناوگانی با هزینه‌ای معادل ۲۰ میلیون فرانک طلا در اختیار دولت عثمانی بگذارند تا امور مالیه‌ی خود را رونق بخشند.<sup>۵</sup>

در عوض این کمک‌ها و حاتم‌بخشی‌ها، صهیونیست‌ها چند درخواست از «عبدالحمید» داشتند:  
۱- آزادی ورود یهودیان به «فلسطین» در هر یک از روزهای سال، به قصد زیارت.  
۲- مجاز ساختن صهیونیست‌ها برای احداث مستعمره‌هایی در «اورشلیم» تا همکیشان آن‌ها به هنگام زیارت در آن اقامت کنند.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> Hertzfeld

<sup>۲</sup> بلوشر، سفرنامه، ترجمه‌ی فارسی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۴۸.

<sup>۳</sup> پروتکل‌های یهود، پروتکل بیستم.

<sup>۴</sup> احمدی، حمید، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۸۹.

<sup>۵</sup> همانجا.

سلطان «عبدالحمید» چنین پاسخ داد:

«تحسین! به این یهودیان وقیح بگو:

- ۱- بدھکار بودن برای کشور ننگ نیست، زیرا کشورهای دیگر از جمله «فرانسه» نیز بدھی دارند.
  - ۲- بیت المقدس شریف را اولین بار سرورمان «عمر بن خطاب» برای اسلام فتح کرد و من حاضر نیستم داغ ننگ فروختن آن به یهودیان و خیانت به امانتی را که مسلمانان به من سپرده‌اند، در تاریخ بر پیشانی داشته باشم.
  - ۳- بهتر است یهودیان پول‌هایشان را برای خودشان نگه دارند. دولت علیه‌ی عثمانی ممکن نیست در دژهایی که با پول دشمنان اسلام ساخته می‌شود از خودش محافظت کند.
  - ۴- در پایان، به آنان دستور بده از قلمرو عثمانی خارج شوند و از این پس به هیچ وجه سعی نکنند با من ملاقات کنند یا به اینجا وارد شوند.»<sup>۷</sup>
- در فرجام، «عبدالحمید» گفت:

«به آفای دکتر هرتسل نصیحت کنید که در این مورد گام دیگری برندارد. من نمی‌توانم حتی یک وجب از این سرزمین را بفروشم. این سرزمین به من تعلق ندارد، بلکه از آن مردم ترک است. مردم من، در طول مبارزه، این امپراطوری را با خون خود آبیاری کرده‌اند. قبل از آنکه اجازه بدھیم این سرزمین از ما گرفته شود، خون ما آن را خواهد پوشاند. من نمی‌توانم سرزمین مردم ترک، یا حتی بخشی از آن را به دیگران تسليم کنم. بهتر است یهودیان میلیون‌ها پول خود را پس انداز کنند. هنگامی که امپراطوری من تقسیم شد، آن‌ها می‌توانند آن را بدون بها به دست آورند. اما در آن صورت اجساد ما نیز تقسیم خواهد شد. من اجازه نمی‌دهم موجود زنده را کالبد شکافی کنند.»<sup>۸</sup>

یأس صهیونیسم از دولت عثمانی صهیونیست‌ها وقتی از دولت عثمانی مأیوس شدند به سوی ایران روی آوردند. ایران، به دلیل واقع شدن در یکی از کانون‌های مهم سیاسی جهان، پس از فروپاشی عثمانی و پایان جنگ جهانی اول، و طرد صهیونیست‌ها از سوی عثمانی، مورد توجه صهیونیسم بین الملل قرار گرفت. در اصل ایران، از قبل نیز پایگاه دسایس و فتنه‌انگیزی‌های یهود بود.

پان ایرانیسم، حزب صهیونیسمی صهیونیسم توانست در ایران، حزبی با نام «پان ایرانیسم» تشکیل دهد و یاد داد که چگونه می‌توان ناب‌گرایی‌ها<sup>۹</sup> را در ایران رشد و توسعه داد و نژادپرستی و پارسی‌بازی را در مقابل اسلام قرار داد و به نابودی روشمند گروه‌های قومی غیرآرایی، بویژه ترکان در ایران پرداخت. زیرا که طبق تعالیم یهود: «چنین گوید یَهُوهُ، آن پسرم که نخست تولد یافته، اسرائیل است.»<sup>۱۰</sup> و دنیا را میان اسرائیل و فرزندان «کوروش» نجات‌دهنده‌ی اسرائیلیان تقسیم کرده‌اند.

<sup>۷</sup> همانجا.

<sup>۸</sup> مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، پژوهه‌ی صهیونیست، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۹۲.

<sup>۹</sup> Integrismes

<sup>۱۰</sup> تورات، سفر خروج، ۴-۲۲.

صهیونیسم گر چه فقط یک مکتب سیاسی غیر دینی بود، بر اساس تعالیم یهود بنیاد گذاشته شد. پان ایرانیسم نیز، پا به پای آن، بر اساس بنیادهای ورجاوند مزدیسنا و نئومزدیسنا، در منطقه‌ی پر تحرکی از جهان، برای محو آثار فرهنگی ترکی ایران بنا نهاده شد. پان ایرانیسم، در گستره‌ای وسیع به فعالیت پرداخت که بخشی از آن کاوش‌های باستانشناسی بود.

### باستانشناسی صهیونیستی در ایران

نخستین کاوش‌های باستانشناسی در ایران از سال ۱۸۹۷ از سوی هیئت علمی فرانسوی و با نیت خاصی شروع شد. البته نباید فراموش کنیم که قبل از آن تاریخ، یک مهندس فرانسوی موسوم به «دیولافو آ»<sup>۱۱</sup> با تلاش همسرش از سال ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۴ در شوش یک گروه حفاری عتیقه‌جات را رهبری می‌کرد. در سال ۱۹۳۱ با موافقت و خواهش دولت ایران، یک هیئت فرانسوی در تپه‌ی «گیان» و یک هیئت آمریکایی در «تپه حصار» و در «تورنگ تپه» به حفاری پرداختند و سپس به هزینه و دستور موسسه‌ی شرقی شیکاگو شخصی موسوم به «دکتر اشمید»<sup>۱۲</sup> عملیات حفاری را تا سال ۱۹۳۷ م. ادامه داد و سپس ایادی داخلی آنان بیش از چهل سال کوشیدند اثبات کنند که فرهنگ ایران قبل از اسلام «فرهنگ پارسی و یهودی» بود و مسلمین – که اینان اغلب تازی و ترک می‌نامیدند – این فرهنگ کهن را از میان برداشته‌اند و جوانان امروز ایران باید با ترک‌ستیزی و عربی‌زدایی به آن فرهنگ اصیل و کهن ایران بازگردند.

ایادی استعمار، مراقب بودند که در بازی باستانشناسی مبادا از زبان و فرهنگ اصیل ترکی ملت ایران سخنی به میان آید و هر کتیبه و نشانه‌ای از این زبان و فرهنگ اصلی ملت ایران به دست می‌آوردند یا نابود می‌کردند و یا به زیرزمین موزه‌ی ایران باستان می‌فرستادند. چنان که اکنون بیش از یکهزار سنگ نبشته و کتیبه به گویش‌های مختلف ترکی باستان در این زیرزمین و مکان‌های دیگر موجود است و تا کنون قرائت و منتشر نشده است.

### نمونه‌های ترکی‌ستیزی باستانشناسان شاهنشاهی

به برخی از یافته‌های ترکی باستان که از سوی بازیگران باستانشناسی ایران مسکوت نگهداشته شده اشاره می‌کنم:

- ۱- ظرف فلزی سنگین وزن مخروطی شکل که در سال ۱۳۳۳ ش. کشف گردید و اکنون در موزه‌ی ایران باستان است.
- ۲- یک رشتہ از آبروهای زیرزمینی در شرق مدخل نیمه تمام گوشه‌ی شرقی تخت جمشید در سال ۱۳۳۳ که دارای سنگ نبشته‌های ترکی است.
- ۳- کشف سه قمقمه‌ی سفالی مخصوص سواره نظام و پیاده نظام و دیزی سفالی در سال ۱۳۳۵ ش. که اکنون در موزه‌ی تخت جمشید است.
- ۴- کشف دو خم بزرگ سفالی به بلندی ۱/۳۰ و محیط ۴ متر و قطر دهانه‌ی ۲۸ سانتی متر در تخت جمشید که ظاهراً برای نگاهداری غلات و آرد و حبوبات به کار می‌رفته است.

<sup>۱۱</sup> Mercel Dioulafoy.

<sup>۱۲</sup> Dr. Eschmidt.

۵- کاوش‌های «گؤئی تپه» در آذربایجان در سال ۱۹۴۸ به سرپرستی «ت. برتون براون»<sup>۳۳</sup> نماینده مکتب انگلیسی باستانشناسی در عراق.

۶- کشف یک صفحه برنزی با نوشه‌های ترکی باستان و با تصویر گیلگمش متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد.

۷- کشف چند غار با نقش و حروف فرهنگ دیرسال ترکی در اطراف ارومیه از جمله غار «داور زاغاسی» و «غار تمتمه» در دره‌ی «نازلی» توسط «کارلتون کون»<sup>۳۴</sup> در سال ۱۹۴۹.

۸- کشف آرامگاه شاهزاده‌ی ترکان ماننایی در جنوب دریاچه‌ی ارومیه نزدیک «تاش تپه» مربوط به قرن نهم پیش از میلاد که کتیبه‌ای در روی سنگ به زبان ترکی باستان داشت و اکنون یک قطعه از آن در موزه‌ی بریتانیا قرار دارد.

۹- کشف چند ظرف منقوش با نوشه‌های ترکی باستان در طوالش ایران که اکنون در موزه‌ی ملی ایران نگه داشته می‌شود.

#### رویکرد امروزین:

آنچه ذکر شد، جزیی از فرهنگ ملی ترکی ایران است که تشکیلات فراماسونری و صهیونیستی تلاش ورزیدند آن را انکار، افساد و امحاء سازند و تا حدودی نیز موفق شدند.

امروزه نسل جوان آذربایجان، رویکردی عظیم به گذشته‌ی پریار اجداد و نیاکان دوران‌ساز و تاریخ‌پرداز و فرهنگی‌های خود دارند. هم از این روی، برای مدرساندن به این نهضت عظیم فرهنگ ملی ترکی ایرانی، در این کتاب (یادمانهای ترکی باستان) پیرامون سه کتیبه از صدها کتیبه‌ی بازمانده به زبان ترکی باستان، بحثی کوتاه پیش می‌کشم، باشد که خیزش مقدس فرهنگ ملی ترکی سرزمین مقدس ایران اسلامی را شتاب بخشد.

به نظر نگارنده، هرگونه مطالعه و بررسی در آثار ادب فارسی در ایران، باید با عنایت به ادب گرانبهای ترکی انجام پذیرد. خواه در دوره‌ی پیش از اسلام و خواه پس از اسلام، این دو زبان در همدیگر تأثیر حیاتی و اساسی داشته‌اند. در گذشته، محققان ادب فارسی نظیر فرصت شیرازی، عبدالوهاب قزوینی، علی اکبر دهداد، سعید نفیسی، علی پاشا صالح و جز آن چنین عمل می‌کردند. آنان برای تحقیق درست و به جا در تاریخ ادبیات فارسی، زبان و ادبیات ترکی را نیز فرا می‌گرفتند. حتی ادبیات ترکی عثمانی را هم برای درک بهتر روند تکاملی ادبیات فارسی می‌آموختند. اما به ضرس قاطع می‌توانم بگویم که اغلب استادان ادبیات فارسی همروزگار من در دانشگاه‌های ایران، به لحاظ آن که بهره‌های از ادب ترکی ندارند، در زمینه‌ی تخصص خود بی‌سود هستند و جهالت آنان در گستره‌ی ادب ترکی موجب «احساس کهتری» و این نیز منجر به شوونیسم و پان‌ایرانیسم و بی‌اعتنایی به مدنیت گرانبهای ترکی می‌شود. و این خود برای جامعه‌ی دانشگاهی نوین اسلامی ما مایه‌ی سرافکندگی است. سربلندی و سرافرازی برای پژوهندگان ادب فارسی در ایران، تنها با ترک «ترکی ستیزی» و روی آوردن به آموزش و بررسی در ظرائف و دقایق زبان و ادبیات ترکی حاصل خواهد گشت.

<sup>۳۳</sup> T. Burten Brown.

<sup>۳۴</sup> Carleton Coon.

# سه سنگیاد باستانی

## یادمانهای ترکی باستان

تألیف

دکتر حسین محمدزاده صدیق

منبع: دوزگون سئونلر سایتی  
[www.duzgun.ir](http://www.duzgun.ir)  
<http://isamajidi.blogfa.com>  
<http://davarardabil.blogfa.com>

سرشناسه: محمدزاده صدیق، حسین، - ۱۳۲۴  
عنوان و نام پدید آور: سه سنگیاد باستانی / تألیف حسین محمدزاده صدیق.  
مشخصات نشر: تبریز؛ اختر، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۷۵ ص.  
شابک: ۹۷۸۹۶۴۵۱۷۱۰۰۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.  
یادداشت: متن کتاب شامل آنونیسی کتبیه‌ها به لاتین و ترجمه‌ی آن‌ها به فارسی است.  
یادداشت: واژه‌نامه.  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: کتبیه‌های ترکی باستان.  
موضوع: کتبیه‌های ترکی باستان - ترجمه شده به فارسی.  
رده‌بندی کنگره: ۹ س ۳ م ۳۱ / PL  
رده‌بندی دیوبی: ۴۹۶/۳۱  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۱۳۴۵۱۵



### سه سنگیاد باستانی

تألیف: دکتر حسین محمدزاده صدیق

چاپ اول ۱۳۸۶ / ۱۷۵ صفحه رقعی / تیراژ: ۳۰۰۰ جلد / ۳۰۰۰ تومان.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۱۰۰-۹

حروفنگاری و طرح جلد: تکرخت

مرکز پخش: تبریز، اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ / ۰۴۱۱-۵۵۵۵۳۹۳

## فهرست

۱.	مختصری از دستور زبان سه سنگیاد باستانی	۷
۸.	۱. آواشناسی	-۲
۹.	واکه‌ها:	
۱۰.	آواک‌ها:	
۲۱.	۱. کلمه شناسی	-۲
۲۲.	اسم	
۲۷.	ضمیر	
۳۰.	صفت	
۳۱.	اعداد	
۳۳.	قید	
۳۴.	فعل	
۳۷.	۲. آشنایی با سه سنگیاد باستانی	
۴۲.	۱-۲. سنگیاد گول تیگین	
۴۵.	۲-۲. سنگیاد بیلگه قاغان	
۴۶.	۲-۳. سنگیاد تان یوقوق	
۴۷.	۳. متون اصلی سه سنگیاد باستانی	
۴۷.	۱-۳. متن سنگیاد گول تیگین	
۴۷.	سوی نیمروزان	
۴۹.	سوی خاوران	
۵۳.	سوی شمال	
۵۵.	سوی خاوران شمال	
۵۵.	سوی نیمروزان خاوران	
۵۶.	سوی نیمروزان اباختران	
۵۶.	سوی اباختران	
۵۷.	۲-۳. متن سنگیاد بیلگه خاقان	
۵۷.	سوی خاوران	
۵۹.	سوی نیمروزان خاوران	
۶۰.	سوی نیمروزان	
۶۱.	سوی شمال	
۶۲.	سوی اباختران	

۶۲.	سوی نیمروزان اباختران .....
۶۳.	۳. متن سنگیاد تان یوقوق .....
۶۳.	(سنگ نشته‌ی نخست) .....
۶۳.	سوی اباختران .....
۶۴.	سوی نیمروزان .....
۶۵.	سوی خاوران .....
۶۵.	سوی شمال .....
۶۶.	(سنگ نشته‌ی دوم) .....
۶۶.	سوی اباختaran .....
۶۷.	سوی نیمروزان .....
۶۸.	سوی خاوران .....
۶۸.	سوی شمال .....
۶۹.	۴. آوانگاری سه سنگیاد باستانی .....
۶۹.	۴. آوانگاری سنگیاد گول تیگین .....
۶۹.	سوی نیمروزان .....
۷۰.	سوی خاوران .....
۷۴.	سوی شمال .....
۷۵.	سوی خاوران شمال .....
۷۶.	سوی نیمروزان خاوران .....
۷۶.	سوی نیمروزان اباختaran .....
۷۶.	سوی اباختaran .....
۷۷.	۴. آوانگاری سنگیاد بیلگه قاغان .....
۷۷.	سوی خاوران .....
۸۲.	سوی نیمروزان خاوران .....
۸۲.	سوی نیمروزان .....
۸۳.	سوی شمال .....
۸۵.	سوی اباختaran .....
۸۶.	سوی نیمروزان اباختaran .....
۸۷.	۴. آوانگاری سنگیاد تان یوقوق .....
۸۷.	(سنگ نشته نخست) .....
۸۷.	سوی اباختaran .....
۸۷.	سوی نیمروزان .....
۸۸.	سوی خاوران .....

۸۹.....	سوی شمال.....
۹۱.....	(سنگ نیشته‌ی دوم) .....
۹۱.....	سوی اباختران .....
۹۱.....	سوی نیمروزان .....
۹۲.....	سوی خاوران .....
۹۲.....	سوی شمال.....
۹۳.....	<b>۵. برگردان فارسی سه سنگیاد باستانی.....</b>
۹۴.....	<b>۱- ۵. برگردان سنگیاد گول تیگین .....</b>
۹۴.....	سوی نیمروزان .....
۹۶.....	سوی خاوران .....
۱۰۱.....	سوی شمال.....
۱۰۲.....	سوی خاوران شمال .....
۱۰۳.....	سوی نیمروزان خاوران .....
۱۰۳.....	سوی نیمروزان اباختران .....
۱۰۳.....	سوی اباختران .....
۱۰۴.....	<b>۲- ۵. برگردان سنگیاد بیلگه قاغان .....</b>
۱۰۴.....	سوی خاوران .....
۱۱۰.....	سوی نیمروزان خاوران .....
۱۱۰.....	سوی نیمروزان .....
۱۱۲.....	سوی شمال.....
۱۱۴.....	سوی اباختران .....
۱۱۴.....	سوی نیمروزان اباختران .....
۱۱۵.....	<b>۳- ۵. برگردان سنگیاد تان یوقوق .....</b>
۱۱۵.....	(سنگ نیشته‌ی نخست) .....
۱۱۵.....	سوی اباختر .....
۱۱۶.....	سوی نیمروزان .....
۱۱۷.....	سوی خاوران .....
۱۱۷.....	سوی شمال.....
۱۱۹.....	(سنگ نیشته دوم) .....
۱۱۹.....	سوی اباختران .....
۱۱۹.....	سوی نیمروزان .....
۱۲۰.....	سوی خاوران .....
۱۲۰.....	سوی شمال.....

۱۲۱.....	۶. گنجوآزهی سه سنگیاد باستانی
۱۵۹.....	۷. واژه‌نامک زبانشناسی
۱۶۴.....	۸. کتاب‌شناسی
۱۶۴.....	نمایه‌ی الفبای فارسی
۱۶۵.....	نمایه‌ی الفبای لاتین
۱۶۶.....	نمایه‌ی الفبای سیریلیک
۱۶۷.....	۹. پیوست



## ۱. مختصری از دستور زبان سه سنگیاد باستانی

زبان سه سنگیاد که در این کتاب معرفی می‌شود شیوه‌ی کهن دوره‌ی آلتایی - آذی از زبان ترکی آذربایجانی معاصر است که به شیوه‌ی «گؤی تورک» معروف شده است. دستور زبان گؤی تورک، جزئی از دستور زبان عمومی ترکی به حساب می‌آید. پیرامون تدوین اصول و قواعد این شیوه‌ی کهن ترکی، تاکنون در جهان اثر مستقل علمی چاپ نشده است. آنچه می‌توان به آن مراجعه کرد، یادداشت‌های مرحوم پروفیسر دکتر ارگین است و نیز کتاب «اسکی تورک یازپتلاری» اثر حسین نامیق اورکون (استانبول ۱۹۴۱ - ۱۹۳۶) در چهار جلد، که پژوهش‌های آغازین و اصلی بود. از میان تحقیقات اخیر کتاب «دستور زبان ترکی رونیک» اثر آ. کونونوف (لینینگراد، ۱۹۸۰)، رساله‌ی دکترای آقای رجبوف زیر عنوان «صرف زبان گؤی تورک» (باکو ۱۹۷۶) و کتاب علی عیسی شوکارلو با نام «قدیم تورک یازپلی آبیده‌لری نین دیلی» (باکو ۱۹۹۳) و سه جلد کتاب «اورخون یازپتلاری»، «تورک دیللری» و «اورخون تورکجه‌سی گرامری» از طلعت تکین (استانبول ۲۰۰۳) را می‌توان نام برد. ترکی آذربایجانی و همه شیوه‌های زبان ترکی که در ایران رایج است، ادامه‌ی منطقی شیوه‌ی ترکی باستانی نامبردار به گؤی تورک است و نشانه‌های کهن آن در شیوه‌ی گویش‌های ترکی ایرانی به چشم می‌خورد تا دیگر شیوه‌ها. نویسنده، چند سال است دستور زبان «گؤی تورک» را بر اساس سه سنگیاد باستانی در برخی از دانشگاه‌های کشورمان تدریس می‌کنم. امیدوارم دانشجویانی که با متون کتیبه‌های فوق آشنا می‌شوند، با اخذ قوت و الهام از دقایق و ظرایف خفته در شیوه‌ی تکلم خود و با تکیه بر داده‌های دانشگاهی، بتوانند دستور زبان نسبتاً مدون و کامل ترکی باستان را یاد بگیرند. آنچه در اینجا می‌آید، نگاهی بسیار مختصر و گذرا به پژوهش‌های گؤی تورک پژوهان مذکور در فوق است که امیدوارم گامی هر چند ناچیز در این راه به شمار آید و علاقهمندان بتوانند از آن به عنوان خودآموز نیز استفاده کنند.

دکتر ح. م. صدیق  
تهران - ۱۳۸۵

## ۲-۱. آشناسی

بنا به اصل سوسوری، در همه‌ی زبان‌ها خمیرمایه‌ی<sup>۱</sup> آوائی، یکسان است و از اندام آوائی همانندی تولید می‌شوند، ولی قالب‌های<sup>۲</sup> آن از زبانی به زبان دیگر فرق می‌کند. بررسی نظام آوائی ترکی باستان نشان می‌دهد که این زبان نخستین زبان فطری و طبیعی بشر بوده است.

در اینجا به بررسی نظام آوائی شیوه‌ی ترکی باستان، یعنی شیوه‌ی گؤئی تورک از سه سنگیاد، می‌پردازیم.

کمی اختلاف قرائت آوائی: در تعیین ماهیت و کیفیت تلفظ فونم‌ها و آواهای نگاشته شده در سنگیادهای ترکی باستان، اهل فن همگی با تکیه به داده‌های زبانشناسی، با حدس و گمان و ظن‌های قریب به یقین عمل کرده‌اند. چرا که اکنون کسی بر جای نیست که به ترکی باستان سخن گوید. اما به هر انجام، شیوه‌های امروزین ترکی، بویژه ترکی اصیل ایرانی، ادامه‌ی منطقی ترکی باستان به شمار می‌رود. از این‌رو، ما ایرانیان بهتر می‌توانیم چبود فونم‌های ترکی باستان را تعیین کنیم.

القبای باستانی ترکی که امروز به آن «القبای گؤئی تورک» اطلاق می‌کنیم، براساس قانون هماهنگی آوائی زبان ترکی اختراع شده است. بسیاری از ترکی پژوهان و متخصصان ترکی باستان، این القبا را «شاپیشه‌ترین سیستم القبای برای زبان ترکی» می‌شناسند. این ویژگی خود، سبب شده است که پژوهندگان سنگیادهای ترکی باستان، لغات و واژه‌های این سنگیادها را به درستی قرائت کنند. به گونه‌ای که اختلاف قرائت میان آنان بسیار کم و اندک است.

اینجا آواهای ترکی باستان را در دو گونه‌ی واکه‌ها و آواک‌ها بررسی می‌کنیم: در این بررسی، در دادن امثله و شواهد برای واکه‌ها و آواک‌ها، در مقابل برخی از مثال‌ها به محل کاربرد آن‌ها در سنگیادها نیز اشاره کرده‌ایم و در نگاره‌نویسی القبای کهن، سیستم آوانویسی برگزیده‌ایم. برای سهولت مراجعه، سه رمز زیر رانیز به کار بردیم:

<sup>۱</sup> Substance.

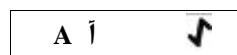
<sup>۲</sup> Forms.

ک ← سنگیاد کول تیگین (= گول تیگین).

ب ← سنگیاد بیلگه قاغان.

ت ← سنگیاد تان یوقوق.

واکه‌ها:



نشانه برای واکه‌ی پیشین کامی باز و کوتاه «آ A» و پیشین کامی کوتاه «ا / ئ / ئـ / ئــ» است. گاه در آغاز و همیشه در پایان واژه می‌آید.

«آچ»: آچ (در معنای گرسنه) ač در ترکی آذری: آچ.

«آداک»: آداک (در معنای پا) adaq در ترکی آذری: آیاق.

«بیلگی / بیلن»: بیلگه (نام و لقب در معنای دانشمند، دانا) Bilgə در ترکی آذری: بیلیجی / بیلن.

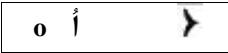


واکه‌ی پیشین کامی «ای آ» و پیشین کامی «ئی I»، در آغاز، میان و پایان واژه می‌آید. در واژه‌های ثقیل الصامت ترکی «İ» و در واژه‌های خفیف الصامت «أ» تلفظ می‌شود.

«ایل»: il در معنای ملت و ایل.

«ایدی»: idi در معنای صاحب در ترکی آذری معاصر<sup>۱</sup>: ایه و یئیه.

«تانگری»: Tanrı تانگری در معنای خدا در ترکی آذری: تانری.



واکه‌ی پیشین کامی ثقیل لبی و باز أ (o = ضمه‌ی خفیفه) و واکه‌ی ثقیل او (u = ضمه‌ی ثقیله) که در آغاز، میان و پایان واژه می‌آید. در هجای نخست صدای o ویا u می‌دهد. ولی

<sup>۱</sup> در این کتاب، «ترکی آذری معاصر» را «ترکی ایرانی معاصر» نیز می‌نامیم.

در هجاهای بعدی صدایی مانند **ü** دارد. این نشانه اگر در هجای نخست آید، در هجای بعدی حذف می‌شود.

«**اول او**»: اول **o** در معنای او در ترکی آذری او (در متون کلاسیک: اول).

«**اولوس**»: اولوس **ulus** در معنای ملت، در ترکی آذری به همین تلفظ.

«**اووزون**»: اووزون **uzun** در معنای دراز، در ترکی آذری به همین تلفظ.

«**اوتوز**»: اوتوز **otuz** در معنای سی، در ترکی آذری به همین تلفظ.

«**آلتون**»: آلتون **altun** در معنای طلا، در ترکی آذری آلتین **.altun**.

### او ü

واکه‌ی پیشین کامی خیف لبی و بسته‌ی او (ü = ضمه‌ی ثقلیه) و واکه‌ی پیشین کامی لبی و باز او (ö = ضمه‌ی بسته) در آغاز، میان و پایان واژه می‌آید. در نخستین هجای واژه صدای ö و در هجای باز پسین صدای ü می‌دهد.

مانند:

«**اوز**»: اوز **öz** در معنای خود، در ترکی آذری به همین تلفظ.

«**تؤرت**»: تؤرت **tört** در معنای چهار، در ترکی آذری: دوّرد.

«**.تورک**»: تورک **.türk**

«**اوچون**»: اوچون **üçün** ارادت به معنای: برای، به خاطر، در ترکی آذری به همین تلفظ.

آواک‌ها:

### آواک ب

آواک ثقلیل پسین کامی دو لبی طینین دار «**ب** B» که در آغاز میان و پایان کلمه می‌آید.

«بودون» budun در معنای ملت و مردم، در ترکی آذری با تلفظ بوتون bütün در معنای تمامی و در نامهای جغرافیایی با تلفظ باتان batan مانند لؤک باتان، اکباتان، آسباتان، و جز آن برجای است.

«سب» sub در معنای آب، در ترکی آذری با تلفظ سو su، در فارسی با حادثه ادغام و ابدال و اسقاط به صورت آب داخل شده و در زبانهای اروپائی به گونه‌ی soap بر جای مانده است.

«بو» bu در معنای «این»، در ترکی آذری به همین تلفظ. این نشانه در کلمات پیشین کامی خفیف الصامت به شکل (ك) و (كـ) و (كــ) می‌آید. مانند:

bag در ترکی آذری: بیگ.

Bilgə: بیلگه Bilgi (ت - ١).

biz: بیز (كــ ١٩) ما.

## C چ ل

آواک کر پیوسته‌ی پیش زبانی «چ C» که در آغاز، میان و پایان کلمه می‌آید. مانند:

«چوئل» چوئل اوچ در معنای صحرا و بیابان، در ترکی آذری به همین تلفظ بر جای است.

«کیچیگ» kiçig در معنای خرد و کوچک، متصاد و بزرگ، در ترکی آذری به همین تلفظ بر جای است، در فارسی دخیل و به صورت کوچک küçهک تلفظ می‌شود.

## D د ڏ

حرف «د D» با تلفظ پسین کامی ثقيل به صورت (ڏ) و با تلفظ پشین کامی خفیف به صورت (خ) نوشته می‌شود. مانند:

«**اداک** adak» در معنای پا، در ترکی آذری به تلفظ آیاق.

«**کاتیقدی** katigdi»: قاتِقَدِي در معنای محکم و سخت، در ترکی آذری به تلفظ قاتی، در ترکی خراسان به تلفظ کاتا kata اکون بر جای است.  
 «**آدگو** adgü»: آدگو در معنای خوب، در ترکی آذری به تلفظ «ایی» بر جای است.

«**بود** bod (ت - ۴) در معنای بدن. در ترکی آذری: بود bud (ران) و بدن. دخیل در فارسی و عربی: بدن.

### G گ ğ

صدای آواک طنین دار میان زبانی و میان کامی «گ G» است. گاه «ق Q» نیز خوانده می‌شود. در واژه‌های پیشین کامی صدای (گ) می‌دهد. اگر در آغاز هجای نخستین آید، پیش از آن واکه‌ی **a / e** می‌آید. مانند: **bilig**: ک (ب) - ۷ بیلیگ: دانش. در ترکی آذری معاصر: بیلیک.

«**کیچیک** kiçig (ک (ش) - ۳) کیچیک: کوچک. در ترکی آذری معاصر: کیچیک. دخیل در فارسی: کوچک.

«**بگ** bəğ (ت - ۴۳) بخ: سرور. در ترکی آذری معاصر: بیگ. دخیل در فارسی کهن: بخ.

### غ ġ

نشانه‌ی صدای پسین کامی «غ ġ» در آغاز، میان و پایان هجاهای می‌آید. مانند: **ياغى** yağı (ک (ب) - ۲۵، (ب) - ۱) دشمن، در ترکی آذری معاصر: ياغى. دخیل در فارسی: ياغى.  
 «**أوغوز** oğuz (ت - ۱۰) ك (ب) - ۱۴، ب - ۲۹.»: اوغوز

اوغوز، نام ایلی از ترکان، در ترکی آذری معاصر: اوغوز. دخیل در فارسی: غز.

## K ڪ

برای صدای آواک بی طنین پیشین زبانی و پیشین کامی «ک K» به کار می‌رود. در آغاز، میان و انجام هجاهای می‌آید. مانند:

«**ڪيши** (ب - ۲۵) انسان. در ترکی آذری معاصر: کیشی. دخیل در فارسی: کیشی.

«**ڪوموش** (ک (ش) - ۵) نقره. در ترکی آذری معاصر:

«**گوموش**. این نشانه گاه به صورت ( ۾ ) و ( ۾ ) نیز نوشته می‌شود.

## Q ڦ

نشانه‌ی صدای آواک پسین کامی «ق Q» که در آغاز، میان و پایان هجاهای می‌آید. این نشانه، صدای گوناگون (G / Q / K / K) را نیز می‌رسانیده است. مانند:

«**ڦاني** (ک (ب) - ۹) کو؟ در ترکی آذری معاصر: هانی؟

«**ڦارا** (ت - ۷، ک (ب) - ۳۸) سیاه، بزرگ، انبوه، در ترکی آذری معاصر: قارا. دخیل در فارسی: قره.

«**ڦاري** (ت - ۵۶۰) کهنه و پیر. در ترکی آذری معاصر: قاری.

## L ل

در واژه‌هایی که آواک‌های پسین کامی دارند نشانه‌ی صدای زبانی - کامی و طنین دار «ل L» است. در میان و پایان هجاهای می‌آید. در زبان گوئی تورک این صدا در آغاز واژه‌ها نمی‌آمده است. در سنگیادهای ترکی فقط در سه لفظ در سه لفظ دخیل در آغاز واژه دیده می‌شود. نخست کلمه‌ی lagzin در معنای خوک، دخیل از مغولی. و دوم کلمه liyu در معنای ازدها دخیل از چینی است که فقط به عنوان اصطلاحات نجومی - تقویمی به کار رفته‌اند. بدین گونه باید گفت که اگر صدای «ل» در آغاز کلمه بباید، باید واکه‌ی «آ» بر آن افزوده شود. مانند:

**آپ** «alp (ت - ۱۰) قهرمان شجاع. در ترکی آذری معاصر: آپ. دخیل در فارسی: الب.

**غلام** «qul (ک (ب) - ۷) برد و بنده. در ترکی آذری معاصر: قول. دخیل در عربی و فارسی: غلام (این کلمه از دو جزء am و qul ساخته شده است و در معنای «بنده‌ی من» است. از سوی ترکان ایرانی به تاجیکان و فارس‌هایی که در خدمت حکومت‌های ترک بودند، اطلاق می‌شده است. بعدها مورخان فارس، این گروه از فارس‌ها و تاجیکان را «غلامان ترک» نامیدند که معنای وارونه هم پیدا کرد).

**یاشبل** «yaşıl (ت (ب) - ۱۷) سبز. در ترکی آذری معاصر: یاشیل.

**او** «əl (ک (ش) - ۷) او. در ترکی آذری معاصر: او. دخیل در فارسی: او (ضمیر سوم شخص مفرد).

این علامت اگر در واژه‌های همراه واکه‌ی پیشین کامی آید، به صورت (Y) نوشته می‌شود. مانند:

**بغلر** «bəğlər (ک (ش) - ۲) سروران. در ترکی آذری معاصر: بیگلر، دخیل در فارسی: بخ‌ها.

**بیلگه** «bilgə (ت - ۱، ک (ش) - ۱، ب - ۱) دانشمند، دانشی مرد.

## M م

نشانه‌ی آواک دو لبی و طنین دار «M» که در آغاز، میان و پایان هجا می‌آید.

مانند:

**من** «mən (ک (ش) - ۱۱) من. ضمیر اول شخص مفرد. در ترکی آذری معاصر: من. دخیل در فارسی: من. در ترکی آناتولو، با حادثه‌ی ابدال مواجه شده و «بن» تلفظ شده است.

ترکی آناتولو: amti «امتی» (ک (ش) - ۳) اکنون. در ترکی آذری معاصر: ایندی. در ترکی آناتولو: ایدمی.

ایلیم ilim «ایلیم» (ک (ب) - ۹) ایل من. در ترکی آذری معاصر: ائلیم.

## ن N

نشانه برای صامت پسین کامی و طنین دار «ن N» که فقط در میان و پایان واژه می‌آید.  
مانند:

قانی qani «قانی» (ک (ب) - ۹) کو؟ در ترکی آذری معاصر: هانی.  
اوغلان oğlan «اوغلان» (ک (ش) - ۱) پسر، سرباز. در ترکی آذری معاصر:  
اوغلان.

آلتون altun «آلتون» (ک (ش) - ۵) طلا، زر. در ترکی آذری معاصر: آلتین.  
دخیل در فارسی: آلتون.  
بودون bodun «بودون» (ک (ش) - ۱) مردم، ملت. در ترکی آذری معاصر:  
بوتون. دخیل در فارسی: باتان (مثالاً در: اکباتان).

## ن N

این نشانه اگر در واژه‌هایی با واکه‌ی پیشین کامی بباید به صورت (ن) نوشته می‌شود  
و در آغاز کلمات دیده می‌شود. مانند:

اوتوکن ötükən «اوتوکن» (ک (ش) - ۳) نام مکان.  
نه nə «نه» (ت - ۵۷، ک (ب) - ۹) چی؟ کدام؟ در ترکی ایرانی امروز: نه؟ نمنه؟  
نمه؟ گاهی نیز در واژه‌هایی که با واکه‌ی پسین کامی ساخته شده‌اند، می‌آید.  
مانند:

«**قۇنایپىن** qonayın (ک (ش) - ۷) فرود آئىم. در ترکی ایرانی امروز مصدر «قۇنماق» مصدری فعل است. از همین مصدر کلمه «قۇناق» در فارسی در معنای مهمان دخیل از ترکی است.

### نگ

نشانه برای آواک معروف به نون غنّه «نگ » که اکنون هم در میان ترکمن‌ها و برخی ایلات شاهسون آذربایجان به کار می‌رود. آواک پسین کامی طنین دار است که به کاف صخیره نیز معروف بوده است. این نشانه، فقط در میان و پایان واژه‌ها آمده است. مانند:

«**تانگری** Tanrı (ک (ش) - ۱، ۲، ب - ۱) خدا، الله، آسمان‌خدا، آسمان، پگاه. در ترکی آذری و معاصر: تاری و تانزی.

«**اونگ** ö (ت - ۷، ک (ب) - ۶) جلو، مقابل. در ترکی آذری معاصر: اؤن.

«**بونگ** buŋ (ک (ش) - ۳) غم و غصه.

### پ

نشانه‌ی واکه‌ی دو لبی، انفجاری و بی طنین «پ P» که در میان و پایان هجها می‌آید.

«**آپا** apa (ک (ب) - ۱) جد بزرگ، پدر بزرگ. در ترکی آذری معاصر: آبا، در معانی گوناگون از جد پدر بزرگ، مادر بزرگ، و جز آن به کار می‌رود. کلمه‌های «بابا» و «پاپا» از همین ریشه است. در فارسی گذشته از این اشکال، تلفظ «آپه» نیز موجود است. در فارسی دخیل است.

«**آپار** apar (ک (ب) - ۴) نام ایل آوار. دخیل در فارسی: آواره.

«**آلپ** alp (ت - ۱۰، ک (ش) - ۶ ب - ۷) پهلوان، شجاع. در ترکی آذری معاصر: آلپ. دخیل در فارسی: الب.

## R و ر

این نشانه در واژه‌هایی که با واکه‌ی پیشین کامی ساخته شده برای نشان دادن صدای «ر» نوشته می‌شود. مانند:

«تُورک Türk (ک (ش) - ۱).»

«بِير bir (ت - ۴) یک. در ترکی آذری معاصر: بیر.»

«تَنْجَرِي Tənqəri (ک (ش) - ۱) خدا، الله، در ترکی آذری معاصر: تانری و تاری. دخیل در فارسی: تنگری.<sup>۱</sup>

## R و ر

اگر این صدا در واژه‌هایی با واکه‌ی پسین کامی آید، در هجای میانی صدای «ر» نوک زبانی و طنین دار را می‌دهد. این نشانه در آغاز کلمات نیامده است، در میان و پایان هجاهای دیده می‌شود. و اگر در آغاز هجا باشد واکه بر آن مقدم خواهد بود. مانند:

«آرا ara (ک (ب) - ۱). فاصله. در ترکی آذری معاصر: آرا.»

«بار bar (ک (ش) - ۹) دارائی. در ترکی آذری معاصر: وار. دخیل در فارسی: بار در معنای میوه و بر و بهره و سود و نیز آنچه حمل کنند. ریشه‌ی ترکی دارد.

«آریغ arıg (ک (ش) - ۸) لاغر، فقیر، ناتوان. در ترکی آذری معاصر: آریق.

## S و س

در واژه‌هایی که با واکه‌ی پسین کامی ساخته می‌شوند، صدای پیشین کامی، نوک زبانی و سایشی «س S» را می‌دهد. در آغاز، میان و پایان هجاهای می‌آید. مانند:

---

<sup>۱</sup> ترک عجمی ولی دری گوی،  
یلواج شناس تنگری جوی. (خاقانی)

**۴۴** «سوب sub (ک (ب) - ۲۴) آب. و در ترکی آذری معاصر: «سو»، دخیل در فارسی: آب.

در فارسی بسیاری از کلمات دخیل ترکی با حادثه‌ی اسقاط آواک مواجه شده‌اند و دلیل آن کشیده صائت بودن زبان فارسی است و می‌دانیم که کلمه «آب» در فارسی با صائت کشیده ۀ تلفظ می‌شود و اسقاط حرف «s» در کلمه‌ی کوتاه واکه‌ی (p) sub طبیعی است.

**۴۵** «ساب sab (ک (ش) - ۲) سخن، گفتار. در ترکی آذری معاصر: «ساو» در ترکیب «سوزساو». دخیل در فارسی: سخن.

**۴۶** «تاس tas (ت - ۱۳) سنگ. در ترکی آذری معاصر: داش. دخیل در فارسی: طاس در معنای کاسه‌ی سنگی و سخت. به قیاس کلمه‌ی «کاس» و «کاسه» نیز ساخته شده است: «طاسات و کاسات» در معنای ظروف سنگی سخت و ظروف غیر سنگی و الاح فلزی آمده است.

اگر این آواک در واژه‌هایی که با واکه‌ی پیشین کامی ساخته می‌شوند بیاید، به صورت

( ) نوشته می‌شود. مانند:

**۴۷** «سکیز sakiz (ب - ۲۴) هشت. در ترکی آذری معاصر: سکگیز. دخیل در فارسی «سکا» و «سقه» و «سق». نام ایلی بزرگ از ترکان که به فرهنگ و دانش نامبردار بودند. در ترکی آذری معاصر: واژه‌ی «سقه» səqqə نیز از نام این ایل مانده است. این کلمه غیر از «سقا» عربی است. این نام برروی برخی از کوچه‌های تبریز هنوز بر جاست. خود کلمه‌ی sakiz (= سقرا) نیز با توجه به نشانه‌ی جمع iz - در ترکی باستان اشاره به نام ایل دارد.

**۴۸** «ایس is (ک (ب) - ۸) کار. در ترکی آذری معاصر: ایش.

## ش \$

نشانه‌ی آواک سایشی زبانی - دندانی، بی طین «ش ⚡» است. در آغاز، میان و پایان هجها می‌آید.

**۴۹** «شات şat (ک (ب) - ۱۴، ت - ۵، ب - ۲۸) درجه نظامی و جنگی. دخیل در فارسی: شاه. در گویش کوپری پهلوی «ساه» تلفظ شده به رئیس چند «ساه»، لفظ

«سا آن ساه» sâânsâh (شاهنشاه) اطلاق شده است. در اینکه کلمه «شاه» از لفظ «شات» ترکی آمده است، شکی نیست. از این رو، ما، در برگردان فارسی، همه جا این لغت را به «شاه» برگرداندیم. می‌توان سیر زبانشناسی این واژه در فارسی را چنین ترسیم کرد:

شات ← شاد ← شاذ ← شای ← شاه

«**شات**»: اوکوش (ک. (ب) - ۲۹) زیاد. ترکی دوره‌ی اسلامی ایرانی «اوکوش» تلفظ شده است. اوکوش حمد: حمد فراوان.

«**ياشيل**»: ياشيل (ک. (ب) - ۱۷) سبز. در ترکی آذری معاصر: ياشيل.

## ت ت **ه**

در واژه‌هایی که با واکه‌های پیشین کامی تلفظ می‌شوند در هجاهات آغازی، میانی و پایانی می‌آید:

«**تُورك**»: Türk (ک. (ش) - ۱) در ترکی ایرانی امروز: تورک و ترک.

«**آدگوچي**»: ədgüti (ک. (ش) - ۲) به خوبی، ترکی ایرانی امروز: ایچجه، پیچجه.

«**تۇن**»: tün (ک. (ش) - ۲) گئجه. در ترکی ایرانی امروز به همین تلفظ. این نشانه در واژه‌های پیشین کامی تلفظ می‌شوند به صورت ( ئ ) نوشته می‌شود و در هجاهات آغازی و پایانی می‌آیند. مانند:

## ت ت **ئ**

در هجاهاتی که با واکه‌ی پسین کامی تلفظ شوند، نوشته می‌شود و صدای تای طنین دار می‌دهد.

«**کاتىڭدى**»: katığdı (ک. (ش) - ۴) در معنای محکم و سخت. در ترکی ایرانی امروز: قاتی qati و کاتا (خراسان).

در فارسی: دریا.  
 «**د**ر **د**ریا»: (ک. (ش) - ۳) دریا، در ترکی ایرانی امروز و دخیل  
 «**د**و **ق**وز»: (ک. (ش) - ۲) عدد نه، در ترکی ایرانی امروز دوققوز.

### Y ی ی

در واژه‌هایی که با واکه‌های پیشین کامی تلفظ شوند در هجاهای آغازی میانی و پایانی می‌آید. مانند:

«**د**ر **د**یت»: (ت - ۴۹). در ترکی ایرانی امروز: یئددی.  
 «**د**ر **د**یک»: (ت - ۸) آهو. در ترکی ایرانی امروز: گئییک.

### Y ی ی

این نشانه در واژه‌هایی که با واکه‌های پسین کامی تلفظ می‌شوند، نوشته می‌شود و صدای یای طنین دار می‌دهد و در هجاهای آغازی، میانی و پایانی کلمات می‌آید. مانند:  
 «**د**ر **د**یگ»: (ت - ۵۶، ک (غ) - ۳۸) دشمن. در ترکی ایرانی امروز: یاغی.

«**د**ر **د**ول»: (ت - ۲۴، ک (غ) - ۴۴) راه. در ترکی ایرانی امروز: بول.  
 «**د**ر **د**وروغ»: (ک (ش) - ۱) فرمان و فرمانده. در ترکی ایرانی امروز: بوپروق.

### Z ژ ژ

در همه‌ی واژه‌هایی که با واکه‌های پیشین کامی تلفظ می‌شود، صدای طنین دار دارد که حاصل تماس نوک زبان به انتهای دو دندان پیشین پائینی است و صدای «**ز**» می‌دهد.  
 این نشانه اگر در آغاز لغات آید، با واکه‌ی **a**، **e**، **â** همراه خواهد بود.  
 مانند:

«**پنجه**»: یوژ yüz (ت - ۵۲، ک (ب) - ۳۳) صد، در ترکی آذری امروزی: یوژ.

«**پوز**»: بوز boz (ک (ب) - ۳۲) خاکستری، در ترکی آذری امروزی: بوز.

«**پوز**»: اوز üz (ک (ب) - ۱) روی: صورت، سمت. در ترکی آذری امروزی: اوز.

## ۲ - ۱. کلمه شناسی

سنگیادهای جای گفتگو نشان می دهد که ترکی باستان، در آن عصر به لحاظ سنت کتابت و نگارش، به مرحله‌ی والائی رسیده بود و پیشینه‌ی پر بار ادبی داشته است. پیدائی فرم ادبی زبان ترکی، بخشی دراز آهنگ در دانش ترک شناسی است. دشمنان سیاه روی ما، ادعا می‌کنند که زبان ترکی فرم ادبی ندارد و مخلوطی از واژه‌های مغولی و فارسی و عربی و غیره است.<sup>۱</sup> اما ترکی پژوهان نشانه‌های شیوه‌ی مکتوب و مدروس و ادبی زبان ترکی را در قرن‌ها پیش از میلاد مسیح پی جویی می‌کنند. حمامه‌های زیبا و دلنشیں «گول تیگین»، «آلپ ارتونقا»، «گیلگه میش»، «دده قورقود»، و دهه سنگ نیشته و کتیبه‌ی بازمانده از اعماق قرون و اعصار، حکایت از فرم ادبی بهنجار و بسامانی از زبان ترکی باستان دارد. شیوه‌ی به کار رفته در سه سنگیاد مورد بحث کتاب حاضر نیز نشانگ تکامل شیوه‌ی مکتوب ترکی باستان در قرون اولیه‌ی میلادی است.

کلمات در این سنگیادها، صورت مکتوب دارند که بررسی آن، موضوع بخش «کلمه شناسی» یا «ساختار شناسی»<sup>۲</sup> است.

امروزه بحث کلمه شناسی و یا صرف، بخشی بسیار گسترده در دستور زبان ترکی است و دهه کتاب پژوهشی در این زمینه تألیف شده است.

در اینجا، ما فقط به برخی از مباحث صرف ترکی باستان اشاره می‌کیم و البته هنوز ناگفته‌ها زیاد است که آن را مجالی وسیع بایسته است.

<sup>۱</sup> نوچه‌های احمد کسری بیشتر تأکید بر این ادعا دارند. این مدعیان اغلب فاقد دانش لازم در زبانشناسی نیز هستند. نگارنده در کتاب «نوچه‌های احمد کسری» در این باب بحث کافی کرده‌است.

<sup>۲</sup> Morphologie.

## اسم

می دانیم که در زبان ترکی به لحاظ ساختاری با سه گونه اسم رو در رو هستیم:

۱. اسمهایی که یک هجایی‌اند و ریشه به حساب می‌آیند.
۲. اسمهایی که از یک ریشه و یک یا چند پی‌افزوده ساخته می‌شوند.
۳. اسمهایی که مرکب از دو یا چند تکواز پدید می‌آیند.

در ترکی باستان، به نوع سوم برخورد نمی‌کنیم. اما دو نوع اولی و دومی، بتویژه گونه‌ی نخست فراوان موجود است.

مثال برای گونه‌ی نخست: ساب sab (سخن، در ترکی آذری معاصر: ساو)، آت at (نام، در ترکی آذری معاصر: آد)، باش baş (سر، در ترکی آذری معاصر: باش)، بیر (زمین و خاک، در ترکی آذری معاصر: بیئر).

مثال برای گونه‌ی دوم: یازی yazi، در معنای بیابان (یاز + ای). قاپیخ qapıçı، در معنای درب (قاپ + ایق)، آلتون altun در معنای زر (آلتن + اون) که هر سه در ترکی آذری معاصر هم با اندک اختلافی در تلفظ، رایج است.

### پی‌افزوده‌های اسم‌ساز

به برخی از پی‌افزوده‌های به کار رفته در سنگیادها که اکنون نیز در زبان ترکی رایج است می‌توان چنین اشاره کرد:

۱. پی‌افزوده‌ی سه شکلی unç/ inç که از فعل، اسم مفاهیم مجرد می‌سازد.  
مانند: اوْتۇنچ (خواهش)، اوْكۇنچ (غصه)، تارقانچ (اشفتگی).
۲. پی‌افزوده‌ی چهار شکلی üç/ ug/ ığ/ iğ که به ریشه فعل می‌چسبد و اسم‌های گوناگونی می‌سازد. مانند: بىلىغ (دانش)، اوْنۇڭ (التماس)، اوْلۇڭ (مرده)، بىتىڭ (نوشته)، كېچىڭ (گزدپل)، ارىڭ (تکیه گاه)، بۇلۇڭ (سهم).
۳. پی‌افزوده‌ی چهار شکلی üş/ iş/ üs/ iş که اسم از فعل می‌سازد. مانند: اوروش (درگیری و نبرد)، تگىش (برخورد)، اوْكۇش (جمع کردن و یغما).
۴. پی‌افزوده‌ی چهار شکلی «چى» çü/ çı/ çi/ ç در اسم‌های: آيۇچو (مشاور)، تامغاچى (مهردار)، يۈلچو (راهنما).

۵. پی افزوده‌ی یک شکلی «داش» daş، مثلاً در اسم‌های: آداش (دوست)، قاداش (خوبشاوند).
۶. بی افزوده‌ی تک شکلی «دم» dam که اسم ساز است و از اسم، اسم جدید می‌سازد. مانند: اردم (شخصیت)، تانری دم (خداآنده‌ی الوهیت).
۷. پی افزوده‌ی دو شکلی am/ mə که اسم از فعل می‌سازد. مانند: يالما (جامه)، تکمه (کامل).

#### تصrif اسم

تصrif اسم و ضمیر، ویژگی زبان ترکی و برخی دیگر از زبان‌های التصاقی کامل و گسترده‌ی جهان است. در زبان اوستایی نیز که تحت تأثیر و سیطره‌ی ترکی باستان شکل پذیرفته بود، اسم و ضمیر صرف می‌شد.

در اوستایی، اسم و ضمیر در هشت حالت صرف می‌شد و مانند زبان ترکی پی افزوده‌هایی بر انتهای اسم و ضمیر می‌آمد و به آن‌ها حالت می‌داد. در زبان ترکی باستان اسم و ضمیر در حالت نه گانه صرف می‌شود.

حالات نه گانه اسم و ضمیر در ترکی باستان و پی افزوده‌های هر حالت به شرح زیر است:

۱. حالت فاعلی یا «حالت آزاد»:<sup>۱</sup> در این حالت کلمه به حال خود باقی می‌ماند و پی افزوده‌ای ندارد و در جمله اغلب در نقش «مبتدا» ظاهر می‌شود. مثلاً: «تُورُك بودون، اول بیرگه روبارسار، اولنهچی سن!» (= ای ملت ترک اگر بدان سوی روی، نابود خواهی شد!). در این جمله، اسم مرکب «تُورُك بودون» حالت فاعلی یا آزاد دارد و مبتدای جمله است. در اوستایی هم، اسم در حالت آزاد علامت نداشت.
۲. حالت مفعولی یا «حالت رائی»:<sup>۲</sup> در این حالت به فرجام اسم، دو پی افزوده‌ی چهار شکلی ug/ üg/ iğ/ üğ و ni/ nu/ nü می‌چسبد و اسم را در حالت رائی قرار می‌دهد. مانند: «چِغان بودونیغ بای قېلدېم.» (= مردم فقیر را دارا و مال دار کردم). در این جمله «بودون» به صورت budun و در حالت رائی ظاهر شده است. امروزه در ترکی ما،

<sup>۱</sup> Nominative.

<sup>۲</sup> Accusative.

این حالت با پی افزوده‌ی چهار شکلی ū / u / i / ı ساخته می‌شود. در ترکی باستان، این حالت گاهی نیز با پی افزوده‌ی چهار شکلی ni / nu / nü / ni ساخته می‌شود و این علامت در زبان اوستا به صورت «ام» am – در آمده است مانند: **ل د ن ۱ ۴ ۶** (= دو پسر را).

۳. حالت مفعول<sup>۱</sup> بهی یا «حالت برایی»:<sup>۲</sup> آن است که اسم در حالت گرایش به فعل قرار گیرد. در ترکی امروز نشانه‌ی آن a / â است و در ترکی باستان پی افزوده‌ی qa / qâ این حالت را می‌ساخت. مانند «قانقا» که امروزه می‌گوییم: خانا (= به خان). در اوستائی هم تحت تأثیر ترکی باستان پی افزوده a و گاه ya این حالت را می‌ساخت. مانند: **ل د ن ۱ ۵ ۷** (= به پسر).

۴. حالت سوی و جهت یا «حالت سوئی»: همانند حالت پیشین است با این تفاوت که اسم در مسیر و سوی و جهت فعل حرکت می‌کند. این حالت اکنون در ترکی نشانه‌ی خاصی ندارد و باحالت «برائی» یکی است. در اوستائی نیز این حالت وجود نداشته است. در ترکی باستان نشانه‌ی این حالت arü / əru و یا گویی qaru است. مانند: «تابغاج قارو» (= به سوی تابغاج). و یا: «مندری» (= به سوی من).

۵. حالت مفعول<sup>۲</sup> عنهی یا مفعول<sup>۳</sup> منه و یا «حالت ازی»:<sup>۴</sup> نشانه‌ی این حالت امروزه در ترکی ما، پی افزوده‌ی dən / dan است که در ترکی باستان به صورت tən / tan تلفظ می‌شده است. مانند: «اوغوزنان کؤرۈك كىلدى» (= از اوغوز مشاوری در رسید). این پی افزوده در متن کتیبه‌های گوئی تۆرك به صورت tin / nin نیز آمده است و این شیوه تا دوره‌ی صفویه در ترکی ایران، به ویژه ایران شرقی و خراسان بزرگ رایج بوده است و در رسم الخط و املای کلاسیک و سنتی ترکی ایران پیوسته به صورت «دین» نوشته شده است. در اوستا نیز نشانه‌ی آن t است که بی‌گمان از ترکی باستان تأثیر پذیرفته است و باید تأکید کنیم که اساساً حالت مفعول<sup>۲</sup> عنهی یا حالت ازی از جدیدترین حالت‌های زبانی است و کهن‌ترین حالت، حالت مفعول<sup>۳</sup> فیهی است و احتمال دارد که نشانه‌ی tan / tən از نشانه‌ی مفعول<sup>۳</sup> فیهی ta / tə ساخته شده است. مثال در اوستا: **ل د ن ۱ ۵ ۸** (= از پسر).

<sup>۱</sup> Dative.

<sup>۲</sup> Ablative.

۶. حالت اضافه و مالکیت یا «حالات اضافی»:<sup>۱</sup> نشانه‌ی این حالت در ترکی باستان دو پی افروده‌ی دو شکلی in / nin و nin / in بود. مانند «بیلگه قاغانپن بودونو» (= مردم منسوب به بیلگه خان). امروزه نیز این نشانه در ترکی بر جای است. در اوستائی به صورت «هه» می‌آمده است. مانند: «**ن دىكىل مىسىز**» (= مال پسر).

۷. حالت مفعول فیهی یا حالت مکانی یا حالت «اندری»:<sup>۲</sup> حالتی است که در آن یک اسم داخل اسم دیگر قرار می‌گیرد. در ترکی امروز پی افزوده‌ی دو شکلی da / da چنین də / da می‌آمده است. مانند: «تازرپدا بولموش تۆرك بیلگه قاغان» (= خان دانشور ترک که در آسمان فراز ایستاد). در اوستائی نیز علامت آن da و گاه a بوده است. مثال: «**ل دىكىل لە**» (= در پسر).

۸. حالت مفعول معه یا «حالات بائی»:<sup>۳</sup> حالتی است که اسم همراه اسم دیگری در جمله نقش پیدا می‌کند. نشانه‌ی آن در ترکی باستان پی افزوده‌ی چهار شکلی ün / ün / in / in بود. در ترکی معاصر، اسم در این حالت با ارادت «ایله» صرف می‌شود. در لهجه‌ی تبریز، امروزه شکل کهن این نشانه حفظ شده است و به صورت nən / nan در آمده است. مانند: «حسن [اب آن گشتیدم.]» (= با حسن رفتم). نشانه‌ی این حالت در اوستائی به صورت فتحه بود و به صورت «لا / له» خوانده می‌شده که از ترکی باستان گرفته شده است. مانند: «**ل دىكىل**» (= با پسر). مثال از متن ترکی باستان: «کۆزىن كۈرمەدىن، قولقاپن ائشىتمىدىن» (= به چشم ندید و به گوش نشنید).

۹. حالت برابری خاص: این حالت را امروزه در ترکی با ارادت «أوچۇن» ادا می‌کنیم. در ترکی باستان نشانه‌ی آن سه پی افزوده‌ی ri / ri و ar / ar و معنای «برای، به خاطر، از جهت» می‌داد. مانند: «آنقار آپىنگ چىغ بىك ياراتوردوم.» (= از برای او بارگاهی و پیژه پپرداختند). امروزه این نشانه در ترکی معاصر برافتاده است. اما در کلماتی نظیر: ایچری açəri، ایلری iləri، دیشاری dişarlı، اوزرہ üzrə، و غیره به صورت جوش خورده و مرکب بر جای است. این حالت در اوستائی نشانه نداشته و با نشانه‌ی مفعول بهی اداء می‌شده است.

<sup>۱</sup> Genitive..

<sup>۲</sup> Locative.

<sup>۳</sup> Instrumenta.

۱۰. حالت ندائی:<sup>۱</sup> حالتی است که اسم یا ضمیر مورد خطاب واقع می‌شود. در ترکی باستان و در ترکی میانه نشانه‌ی چهار شکلی im/ īm/ um/ üm به فرجام اسم و ضمیر می‌چسبید و این حالت را نشان می‌داد. در حمامه‌های دده قورقد ترکیب «خانیم، هی!» که فراوان تکرار می‌شود، دارای این حالت است و در متون کلاسیک ترکی میانه اصطلاحات «سلطانیم! بیگوم! شاهیم!» نیز اسم را در حالت ندائی نشان می‌دهند. امروزه در کتابت ترکی، بویژه در قطعات زیبای ادبی، همین اشکال و صورت ندائی کاربرد دارند، اما نمی‌توان گفت که حالت ندائی، مانند حالت‌های دیگر اسم، فعل و شایع است. هر چه هست، این که در ترکی باستان نیز این حالت برای اسم وجود داشته است. مانند: «قاغانغیم، آییتدى.» qağanğım ayıtdı = گفت: ای خان من!). در اوستائی به فرجام اسم پی افزوده‌ی «هو» (ho) اضافه می‌شده و اسم را در حالت ندائی قرار می‌داده است. مانند: «**كىنەن سەن ؟**» (= ای پسر).

#### تصrifیف اسم و ضمیر در ترکی باستانی

حالاتها	پی افزوده‌های ترکی باستان	پی افزوده‌های ترکی باستانی ترکی معاصر ایران
۱. آزاد	---	---
۲. اضافه	in/ īn/ un/ ün	in/ īn/ nin/ niŋ
۳. برائی	a/ə	a/ə - ya /ye -ka / kə
۴. برائی خاص	---	rı / ri - ra / rə - ar / ər
۵. سوئی	---	karu/kərü - aru/ ərü -qaru
۶. رائی	iğ/iğ/uğ/üğ	- in/ in - ni/ ni
۷. اندری	da / də	ta/tə - da/ də
۸. ازی	dan / dən	tan/tən - dən/dan - dın/ din
۹. بائی	ile	in/in - n
۱۰. ندائی	---	im/ īm / um / üm

<sup>۱</sup> Vocative .

### ضمیر

ضمیرها در سنگیادهای ترکی باستان را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد:

۱. ضمایر شخصی
۲. ضمایر پرسشی
۳. ضمایر اشاره
۴. ضمایر رجعی

۱. ضمایر شخصی: انواع ضمیرها در ترکی باستان مانند اسم در حالات ده گانه حذف می‌شود. ضمیرهای شخصی در ترکی باستان چنین است:

biz	بیز / من bən/mən
siz	سن / سین sən/sin
- [ oliz ]	اول ol

ضمیر سوم شخص جمع در سنگیادها، به صورت مفرد به کار رفته است. اما می‌دانیم که پس از برافتادن نشانه‌ی جمع iz - در ترکی میانه و رواج یافتن نشانه‌ی جمع «لار / لر»، ضمیر سوم شخص جمع به صورت اوللار (ollar) به کار رفته و به قیاس باید در ترکی باستان به صورت oliz (به قیاس: siz = sən + iz و biz = bən + iz) می‌بود. در اوستائی نیز ضمیر شخصی سوم مفرد و سوم شخص جمع یک گونه تلفظ می‌شود و آن «*لار*» he است که در آن، گاه صامت h تبدیل به t شده و به صورت «*ل*» نوشته می‌شود.

صرف ضمیر، مانند صرف اسم است. تنها دگرگونی و تغییر آوایی در ضمیر سوم شخص مفرد (ol) است که صامت دوم در تصویری تبدیل به (n) شده است. ظاهرآ ضمیر سوم شخص مفرد «او» و «آن» در فارسی نیز تحت تأثیر ترکی باستان ایجاد شده است. زیرا در کتبهای بیستون که به ادعای برخی پژوهشگران غرق در احساسات شوونیستی، به زبانی بانام فرضی و جعلی «پارسی باستان» حک شده، ضمیر سوم شخص مفرد «او» و «آن» (uhavaom) است که نمی‌تواند ریشه‌ی ضمیرهای شخصی تحت تأثیر زبان ترکی باستان قوام یافته است نه اوستائی یا به اصطلاح پارسی باستان (!) که باستان‌شناسان شاهنشاهی و برخی از اساتید ادبیات فارسی که ترکی مدان هستند، چنین ادعای پوچی دارند.

و در مسأله‌ی بررسی تأثیر زبان ترکی در فارسی، جاهلانه و ناآگاهانه به اظهار نظر می‌پردازند و جهالت خود را با تحریف‌ها و توجیهات مصحک پرده‌پوشی می‌کنند. در اوستائی ضمیر اول شخص مفرد «ازم» (azam) و ضمیر سوم شخص مفرد «ته» (ta) است و ضمیر اول شخص جمع «وهائم» (vaem) است که پیوستگی و ارتباطی با تلفظ‌های فارسی کونی ندارد.

#### تصrif ضمایر شخصی در ترکی باستان:

نام حالت	دوم شخص مفرد	اول شخص مفرد	سوم شخص مفرد
۱. حالت آزاد	san	man	ol
۲. حالت مالکیت	sanin	manin	anın
۳. حالت برای	sana	mana	ana
۴. حالت سویی	sanaru	manaru	anar
۵. حالت رایی	sin	mini	ani
۶. حالت ازی	santin	mantin	antin
۷. حالت اندرونی	santa	manta	anta
۸. حالت بایی	sanan	manna	annan
۹. حالت برای خاص	sanri	mi[n]ri	anni

۲. ضمایر پرسشی یا استفهامی: ضمایر استفهامی یا پرسشی در ترکی باستان و na kem هستند. ضمیر kem درباره‌ی کسی به کار می‌رود که از او صحبت می‌شود و ضمیر na جاندار و بی جان، هر دو در بر می‌گیرد.

مانند: «تۆرك بودون! ایلینی، تۆرۈنۈنۈ كىم آراتاتى؟» Türk budun! ilini törününü? kim aratati? = ای ملت ترک! ایل و تبارت را کدامین کس نابود ساخت؟ و یا «نه قاغانقا اپسقق - گۆچىگ بئرۇرمن؟» qagaqقا isiq-güçük berürmən? = به کدامین خان زندگی ارزانی داریم؟

گذشته از این ضمیر، ضمیرهای قانی (= کو؟)، فانتان qantan (= کجا؟) نیز در سنگیادها به کار می‌رود. مانند: «ایلیم بودون آرتسبم، ایلیم ایمتسی قانی؟» «ilim budun artsim, ilim imti qanı?» ضمایر پرسشی، مفاهیم استفهامی یکسانی را در بردارند و معناهای مانند کدام کس؟ چه چیز؟ کدام مکان؟ و غیره را بیان می‌کنند.

زبان ترکی به لحاظ کوتاه آوا بودن، در هر هجا حداکثیر آواک و ستاک‌ها را می‌تواند جمع کند، اما در گویش اوستائی از آنجا که مانند فارسی، زبانی کشیده آوا، و به قول عوام جماعت، زبان شل و ولی است، آواک‌ها در تلفظ، اغلب اسقاط می‌شوند. از این رو، ضمیر پرسشی «کم» در ترکی باستان وقتهای زبان اوستائی وارد شده، با حادثه‌ی اسقاط آواک پایانی مواجه گردیده و به صورت **كـمـ** درآمده است که امروزه در فارسی کنونی «کی» و «که» تلفظ می‌شود.

۳. ضمایر اشاره: در ترکی باستان دو ضمیر اشاره «بو» «bu» و «اول» «ol» وجود داشت که در ترکی معاصر نیز به کار می‌رود. مانند: «بو اوچه گو قابیپر» bu üçəgү qabipir «این سه باهم در نبردند». امروز، در برخی از شیوه‌های زبان ترکی سه ضمیر اشاره وجود دارد:

۱. بو
۲. شو
۳. او

ضمیر «بو» به نزدیک، ضمیر «شو» به مکان مبهمی که خیلی دور نباشد و ضمیر «او» به دور دلالت می‌کند.

۴. ضمایر مشترک: در ترکی باستان «اوز» و «کنتو»، هر دو گونه‌ی ضمیر مشترک، کاربرد داشته است. امروزه ضمیر مشترک «اوز» در ترکی آذری و ایرانی و ضمیر مشترک «کندی» در ترکی استانبولی به کار می‌رود. مانند: «أۆزىم قۇتۇم بار اوچۇن، قاغان اۋۇرۇدوم.» özim qutum bar üçün, qağan oturdum. خود که بخت یارم بود، خان شدم.

و یا:

«تۇقۇز اوغۇز بودۇن كېن்தۇ بودۇنېم ارتى»  
toquz oğuz budun kəntü budunım ərti.

(= ملت دوققوز اوغوز، ملت خودم است).

### صفت

صفت نیز مانند اسم، در ترکی باستان به لحاظ ساختاری، دارای دوگونه بوده است:

۱. صفت ساده: که یک هجا داشت و ریشه‌ی کلمه محسوب می‌شد. مانند: «ییگ» *yig* (= خوب، که امروزه «بئی» تلفظ می‌شود)، «آلپ» *alp* (= توانمند)، «بای» *bay* (= دارا و برازنده)، «برک» *bərk* (= سخت).
۲. صفت پیوندی: که از یک ریشه و یا دو یا افزوده ساخته می‌شد.

### پی افزوده‌های صفت‌ساز

برخی از پی افزوده‌های صفت ساز ترکی باستان چنین است.

۱. پی افزوده‌ی چهار شکلی *iğ/ ug/ iq/ qatıq* مانند «قاتق» *qatıq* (= سخت و سبر) از مصدر «قاتماق» که امروزه در ترکی خراسان هم رواج دارد، «سوچیگ» *suçig* (در معنی شیرین، از ریشه‌ی «سوچمک» یعنی: لذت بردن).
۲. پی افزوده‌ی دو شکلی *siz* / *sız* که از اسم، صفت می‌سازد. مانند: «آش سپز» *aşsız* (= بی غذا)، «تون سوز» *tonsuz* (= بی لباس)، «یاغی سپز» *yağısız* (= بی دشمن)، «توزسوز» *tuzsuz* (یعنی: دروغگو و نادرست).
۳. پی افزوده‌ی یک شکلی «قان»، از کهنه ترین پی افزوده‌های ترکی که در نام مکان‌ها (مانند: گرگان) هنوز بر جای مانده است. در سنگیادهای ترکی باستان به ترکیب «تائزقان» *tañrıqan* برمی‌خوریم که معنای «خدائی و منسوب به خداوند» می‌دهد.
- پی افزوده‌ی دو شکلی *ki* / *ki* به فرجام اسم در حالت اندری و گاه حالت ازی می‌آید و صفت می‌سازد. مانند: «آجونداکی» *acundaki* (= دنبیوی)، «بیر دانکی» *birdanki* (یعنی: راست گزین)، «باشدبنکی» *başdinki* (= نخستین)، «تاغداکی» *tağdakı* (= کوه نشین).
۴. پی افزوده‌ی تک شکلی «گه» که در دو کلمه‌ی «بیلگه» *bilgə* (= دانشمند) و «اوگگه» *öggə* (= خردمند) در سنگیادها دیده می‌شود.
۵. پی افزوده‌ی چهار شکلی *lüğ/ lig/ lug/ liğ* که امروزه در زبان توانمند ترکی، با اسقاط صامت پایانی کاربرد وسیعی دارد. مثال در ترکی باستان: «تونلوگ» *tonlug* (=

جامعه‌دار و ملبس)، «شن لیگ» (şənlig = نامدار و معروف)، «بیلینگ لیگ» (biliñlig = دانشمند و دانا).

### اعداد

در مبحث اعداد در ترکی باستان به دو گونه‌ی اعداد اصلی و اعداد ترتیبی اشاره می‌کنیم:

۱. اعداد اصلی: تلفظ اعداد، در ترکی باستان، از یک تا ده با تلفظ امروزی آن‌ها هیچ فرقی نکرده است. مگر آن که آواک «د» در اعداد «دؤرد» و «دوچقۇز» امروزه بدل از «ت» در ترکی باستان است.

اعداد از یازده تا نوزده ترتیب خاصی داشته که امروز تغییر یافته است. در جدول زیر این تغییرها را نشان می‌دهیم.

جدول تطبیقی تلفظ اعداد ترکی باستان با ترکی معاصر:

تلفظ امروزی	ترکی باستان	اعداد
اون بیر	bir yigirmi	۱۱
اون ایکى	iki yigirmi	۱۲
اون اۆچ	üç yigirmi	۱۳
اون دؤرد	tört yigirmi	۱۴
اون بىش	biş yigirmi	۱۵
اون آلتى	altı yigirmi	۱۶
اون يىددى	yeti yigirmi	۱۷
اون سكىز	sakız yigitmi	۱۸
اون دوققۇز	tokuz yigirmi	۱۹

همین روش برای اعداد دیگر تا صد ادامه می‌یابد. این اعداد مرکب، امروزه در تلفظ، قاعده‌ی ترکی نوین را دارد و در ترکی باستان به گونه‌ای دیگر تلفظ می‌شود که به برخی از آن‌ها در جدول زیر اشاره می‌کنیم:

اعداد	ترکی باستان	تلفظ امروزی
۲۱	bir otuz	ایگرمی بیر
۲۷	yeti otuz	ایگرمی یئندی
۳۱	bir qirq	اوتوز بیر
۶۵	beş yetmiş	آتمپش بئش
۶۸	sakiz yetmiş	آتمپش سگیز

در میان اعداد، فقط تلفظ دو عدد ۸۰ و ۹۰ امروزه فرق کرده است که «سکسن» و «دؤخسان» تلفظ می‌کنیم ولی در سنگیادها به صورت زیر آمده است:

اعداد	ترکی باستان	تلفظ امروزی
۸۰	sakiz on	سکسن
۹۰	tokuz on	دؤخسان

در مقابل عدد ده هزار که امروزه «اون مین» گفته می‌شود، «تۆمن» tümən رایج بود و عدد «مین»، هم «بین» bin تلفظ می‌شده است. در اعداد مرکب صدگان و هزارگان لفظ artuki افزوده می‌شده است. مثلاً به جای «اون بئندی مین» on yedi min (= هفده هزار)، ترکیب «بیر تۆمن آرتوكى یئتى مین» bir tümən artuki yeti min.

۲. اعداد ترتیبی: در ترکی باستان برای نشان دادن مفهوم اعداد ترتیبی، پی‌افزوده‌ی چهار شکلی inç / inç / ümç / ümç به فرجام عدد می‌چسبد. مانند: «بیرینچ» birinç و «تئرتۆنچ» törtünç (= اولین و چهارمین).

### قید

قید، امروزه در دستور زبان ترکی، بحثی مستوفی و گسترده دارد و به لحاظ ساختاری، زبان ترکی دارای غنی‌ترین بخش قید است.

در ترکی باستان، قید از نظر شکل و صورت دارای دو گونه بود:

۱. قید ساده. مانند: «تون» tun (= شب)، «آتنا» anta (= آج).

۲. قید پیوندی که به کمک پی افرودها ساخته می‌شد که به برخی از آن‌ها می‌توان چنین اشاره کرد:

### پی‌افرودهای قید ساز

۱. پی‌افرودهی دو شکلی دو çə / çə: در دو کلمه «سبچا» subça و «تاغچا» tağça در

این جمله: «قانین سوبچا، يۇڭۇرتى، سونوگۇن، تاغچا پالدى» qanın subça yükürti، tagča paldı = خونت چون آب روان شده و استخوانت چون کوه برافراشت.

۲. پی‌افرودهی دو شکلی ti / di و ya / dı: که از اسم قید می‌ساخت. مانند «ادگوتی» = به خوبی) مرکب از لفظ «ادگو» - که امروزه «ایی» iyi تلفظ می‌شود- و پی‌افرودهی .ti

دو گونه قید: در ترکی باستان، به موجب سنگیادهای مورد بحث، به لحاظ مفهوم، دو گونه قید وجود داشته است. نخست قیدهای خاص یا قیدهایی که بر اثر صورت‌های مشخص حالات در اسامی غنی شده‌اند و اصولاً معنی و مفهوم قید را دارا می‌باشند. دسته دوم قبود صفت گونه که از لحاظ مفهوم با صفت تفاوتی ندارند. گروه نخست در این جدول دیده می‌شود:

### قیدهای خاص

معنی فارسی	ترکی باستان	تلفظ امروزی
شب	kiçə	گئجه
روز	küntüz	گۈندۈز
اکنون	amtı	ایندی
فردا	yarın	yarın
نیمه شب	tün	-

اُزره	üza	بالا، در بالا، ببروی
بورادا	bunta	اینجا
اُرادا	anta	آنجا
ایچه‌ری	icra	درون
دیشاری	təşrə	بیرون
یئنه	yanırtı	بازم

از قیود گروه دوم می‌توان به کلمات «آچوغین» (acuğin = روشن، به روشنی) «تزرکین» (tezkin = به سرعت و فوری)، «کنچیک سیزین» (keçiksizin = بی‌گذر، بی‌چاره) اشاره کرد.

## فعل

در دستور زبان تاریخی ترکی، مبحث فعل، شیرین‌ترین و گسترده‌ترین گفتار است. از آنجا که فعل‌ها، در گذر زمان و در اقلیم‌های گوناگون کمتر در معرض آسیب و هجوم زبان‌های بیگانه بوده است، این است که به لحاظ تلفظ و کاربرد، تفاوت چندانی میان دستور زبان امروزین ترکی با دستور زبان ترکی باستان وجود ندارد.

در ترکی باستان، فعل به لحاظ ساختار دارای سه نوع است:

۱. فعل ساده: که گونه‌های کهن تلفظ افعال امروزی را نیز به دست می‌دهد. مانند «بیرمک» (birmək = دادن)، بارماق barmaq (= رفتن)، ایتمک itmək (= کردن)، آلماق almaq (= گرفتن)، کؤرمک körmək (= دیدن) و غیره.

۲. فعل مرکب: گونه‌ای از فعل مرکب که عبارت از ترکیب دو فعل باشد، در ترکی باستان رایج بوده است. مانند: توتابیلمک tutabilmək (= محافظت)، ایتبیرمک itbirmək (= سازمان دادن).

و همچنین در متون سنگیادها گونه‌های نخستین افعال مرکب از یک اسم و یک فعل نیز دیده می‌شود. مانند: آب آلاماق ab ablamaq (= شکار کردن)، بیتیگ بیتیمک bitig (= کتیبه نگاشتن)، امگک کؤرمک əmgək körmək (= عذاب کشیدن) و غیره.

۳. فعل پیوندی: که با آمدن پی افزوده‌ها به فرجام کلمات ساخته می‌شود. مهم‌ترین پی افزوده‌های فعل ساز در ترکی باستان را می‌توان از متون سنگیادها استخراج کرد.

#### پی افزوده‌های فعل ساز

۱. پی افزوده‌ی دو شکلی /ad که بر انجام اسم می‌چسبید. مانند: يوقادماق (= نابود ساختن)، باشدماق (başadmaq = سپرستی کردن)، بونادماق (yuqadmaq = غمگین کردن).
۲. پی افزوده‌ی دو شکلی a / بر انجام اسم آمده، فعل می‌سازد. مانند: توشاماق (tuşamaq = خواب دیدن)، بوشاماق (boşamaq = آزاد ساختن).
۳. پی افزوده‌ی دو شکلی la / lə از اسم، فعل می‌سازد. مانند: سوله‌مک (süləmək = شکرکشی کردن)، قیشلاماق (qişlamaq = زمستان را سپری کردن)، بیرله‌مک (yırləmək = شعر گفتن و سرود ساختن)، اوتله‌مک (ötləmək = مشورت کردن).
۴. پی افزوده‌ی دو شکلی lan / lən که از اسم، فعل می‌سازد. مانند: قاغانلانماق (qağanlanmaq = دارای خان شدی)، بوغوزلانماق (boğuzlanmaq = سوپریده شدن).
۵. پی افزوده‌ی دو شکلی ik / iк که از اسم، فعل ناگذرا و لازم می‌سازد. مانند: تاغیقماق (tağıqmaq = کوه نوردی)، تاشیقماق (taşıqmaq = بیرون رفتن)، ایچیکمک (içikmək = تابع شدن).
۶. پی افزوده‌ی دو شکلی sa / sə از اسم، افعالی با معانی آرزو و طلب می‌سازد. مانند: سومساماق (sumsamaq = طلب آب کردن)، کورؤکسهمک (körüksəmək = طلب دیدار).

#### زمان‌های افعال

- برخی از زمان‌های موجود در افعال متون جای گفتگو را می‌توان بدین‌گونه بازنگاری کرد:
۱. زمان گذشته که مانند ترکی معاصر در دو وجه گذشته‌ی ساده و گذشته‌ی نقلی به کار می‌رود.

<sup>۱</sup> این مصدر هنوز در ترکی قشقائی فعل است. در ترکی قشقائی به شعر، «بیر» و به شاعر، «بیرچی» گفته می‌شود.

الف. نشانه‌ی گذشته‌ی ساده مانند همه‌ی شیوه‌های ترکی معاصر di / di بوده که به صورت ti / mi آمده است. مانند: «شانتون يازبقا تگی سوّله‌دیم» şantun yazıga təgi «= تا پهنه‌ی شانتون لشکر کشیدم.» و یا: «ار اردمنینه بؤكمه‌دیم» ər sülədim «= از مردانگی خود به ستوه نیامدم.» در دو جمله‌ی فوق، فعل‌های sülədim و bökmədim دو صیغه‌ی اول شخص مفرد گذشته ساده است.

ب. گذشته‌ی نقلی که نشانه‌ی آن مانند ترکی امروز، miş / mish بوده است. مانند: «ایکی آرا کیشی اوغلو قلبئنمېش» iki ara kişi oğlu qılınmış «= در میان آن دو فرزند انسان آفریده شد.» و یا: «ایل توتسېق بىر اوتوکن ارمىش.» il tutsıq bir ötükən «= مکانی که مردم بگرفت، اوتوکن بوده است.»

۲. زمان آینده با پی افزوده‌ی دو شکلی daçı / dəçəi که گاه به صورت taçı / təçəi نیز می‌آید، ساخته می‌شده است. مانند فعل ۆلتەçisən در جمله‌ی اول «بیرگرۇ بارساڭ، تۈرك بودون ئولتەچى سىن» yirgerü barsar Türk budun ۆltəçisən «= ای ملت ترک، اگر بدان سوی گام گذاری، نابود خواهی شد.»

گاهی پی افزوده‌ی زمان آینده به صورت ئى / ئى نیز آمده است. مانند این جمله‌ی: «قارا بودونوم ... اولمەچى، بىتماچى سان ...» (= ای ملت بزرگ من ...، نخواهی مرد، نابود نخواهی شد ...). ظاهرًا این پی افزوده، برای ساختن صیغه‌های زمان آینده غیر قطعی به کار می‌رفته است.

همان گونه که گفتیم بحث فعل در دستور زبان ترکی بسیار گسترده است، چرا که هیچ یک از زبان‌های مرده و زنده‌ی دنیا مانند زبان ترکی دارای مفاهیم گسترده‌ی زمان و انواع متعدد فعل نبوده‌اند و زبان ترکی از این لحاظ، از همه‌ی زبان‌های جهانی غنی‌تر است. این غنا و گسترش، ریشه در اعماق قرون و اعصار دارد و حتی در ترکی باستان وجود افعال، نسبت به ترکی معاصر از گستردگی و شیاع بیشتری برخوردار بود و به بسیاری از زبان‌های جهان و گویش‌های محلی منطقه نظیر زبان اوستائی و پهلوی نیز تأثیر گذاشته است. برای بحث مستوفی در این زمینه به تألیف مستقلی نیاز است. در اینجا قصد ما، دادن چشم اندازی از برخی ویژگی‌های دستوری ترکی باستان بود که امیدواریم به پژوهشی مستقل در این باب بیانجامد.



## ۲. آشنایی با سه سنگیاد باستانی

سنگیادها در دشت اورخون از دوران دولت «گؤی تورک» بر جای مانده است. دولت گؤی تورک را ترکان هون در سده‌ی ششم میلادی تشکیل دادند و در فاصله‌ی قرن ششم تا هشتم، در آسیا به عنوان امپراطوری بزرگ تُرك حکومت کردند. در نیمه‌ی نخست قرن ششم، «آوارها» بدنه‌ی اصلی تشکیلات اداری و حکومتی حکومت ترکان را تشکیل می‌دادند. در تاریخ ۵۵۲ م. «بومین قاغان»، خاندان «گؤی تورک» را جای گزین خاندان «آوارها» ساخت. در آن روزگار، مرکز حکومت این دولت، در بخش شرقی استقرار داشت و بخش غربی توسط خاقان‌نشینی تابع بخش شرقی اداره می‌شد. «ایستمی قاغان» که خود برادر «بومین قاغان» بود، تا سال ۵۷۶ م. بر بخش غربی حکومت می‌راند.

بومین قاغان، در نخستین سال تشکیل حکومت گؤی تورک چشم از جهان فروبست و به ترتیب سه فرزندش حکومت کردند. نخستین فرزندش در سال ۵۵۳ م.، دیگری از ۵۵۴ م. و سومی از ۵۷۲ تا ۵۸۱ به فرمانروائی رسیدند. در عصر «موغان» دومین فرزند بومین قاغان، دولت گؤی تورک‌ها در شرق با «منچوری» هم مرز بود و در غرب تا قلب فلات ایران فرمانروائی داشت.

این دولت، در اواخر سده‌ی ششم، به لحاظ کشمکش داخلی سران حکومت و فرماندهان، معروض حیل و دسایس حکومت چنی‌ها گردیدند. و در سال ۶۳۰ م. دولت چن موفق شد بخش عظیمی از شرق سرزمین‌های امپراطوری گؤی تورکان را به تسلط درآورد و به ترتیج به بخش‌های غربی نیز تجاوز کند.

در سال ۶۸۰ م. «قوتلوق قاغان» که بیشتر با نام دوم یعنی «ائلداریز قاغان» معروف است، توانست مردم و سرزمین خود را از اسارت دولت چین برهاند و تا سال ۶۹۱ حکومت کند.

پس از او، برادرش «قاپغان قاغان» در سال ۶۹۱ م. به حکومت رسید و شوکت و عظمت دولت گذشته را بازگردانید.

ائله‌داریز قاغان، دو پسر به اسمی «بیلگه قاغان» و «گول تیگین» داشت. هنگام مرگ وی در سال ۶۹۱ م. این دو برادر ۸ و ۷ ساله بودند. هنگام مرگ قاپغان قاغان در سال ۷۱۶ م.، فرزندان او به حکومت رسیدند. ولی بیلگه قاغان و گول تیگین مانع این کار شدند و بر عموم زادگان خود چیره گشتند و جانشین باز پسین پدر خود شدند.

در این کار، وزیر کاردان پدر و عمومی آنان یعنی «تان یوقوق»، به یاری شان شتافت و بیلگه قاغان و گول تیگین توanstند به کمک وی، دولت گوئی تورک را به عزت و شوکت تاریخی خود برسانند و به اوج عظمت در آن عصر سوق دهند.

گول تیگین در سال ۷۳۱ م.، و بیلگه قاغان در ۷۳۴ م. چشم از جهان فروبستند. و در سال ۷۴۴ م. خاندانی از ترکان ایل اویغور به حکومت گوئی تورک‌ها پایان دادند و در سال ۷۴۵ م. حکومت اویغورها تشکیل گردید.

سه سنگیاد معروف «گول تیگین»، «بیلگه قاغان» و «تان یوقوق» محصول دوران حکومت بیلگه قاغان است.

نخستین سنگیاد را بیلگه قاغان در سال ۷۳۲ م. امر به حک کرده و دومین را فرزندش یک سال پس از فوت او در سال ۷۳۵ م. ساخته است و سومی در فاصله‌ی سال‌های ۷۲۰ تا ۷۲۵ بربا گشته است که به سنگیاد «تاق یوقوق» معروف است.

کشف سنگیادهای ترکی باستان، یکی از موقوفیت‌های باستانشناسی جهان بشریت بشمار می‌رود.<sup>۱</sup> به نخستین اشاره‌ها پیرامون معابد سنگیادهای ترکی باستان در «تاریخ جهانگشای جوینی» برمی‌خوریم. در منابع چینی نیز اشارات فراوانی به مجموعه‌های گول تیگین و بیلگه قاغان شده است. ولکن جهان علم تا اواخر سده ۱۸ میلادی از وجود این کتیبه‌ها بی‌خبر بود. نخستین بار در سال ۱۷۲۱ م. بود که «مسرشمیدت»<sup>۲</sup> گیاه شناس آن عصر به چند سنگ نبشته با القبای باستانی یئنی سئی برخورد و سپس «استرالنبرگ»<sup>۳</sup> توانست توجه دانشمندان را به وجود و اهمیت سنگیادهای اورخونی جلب کند.

<sup>۱</sup>Ergin, Muhammed. Orhun Abideleri, Ist. ۱۹۸۳, s. II.

<sup>۲</sup> Messerschmidt .

<sup>۳</sup> Strahlenberg.

این افسر سوئیسی که در سال ۱۷۰۹ م. در جنگ پولتاوا اسیر روس‌ها شد، به سیبری تبعید گردید. وی در مدت سیزده سال که در تبعید به سر می‌برد به «مسر شمیدت» در بررسی گیاهان داروئی کمک می‌کرد.

در سال ۱۷۲۲ م. دوران اسارت وی به پایان رسید و به کشورش برگشت و در سال ۱۷۳۰ نتیجه‌ی تحقیقات خود را منتشر ساخت و در اثر منتشره‌ی خود، از سنگیادهای یئنی سئی بحث کرد. پس از انتشار کتاب وی، توجه گروه پژوهشگران به منطقه جلب شد و سنگ نیشته‌های متعددی با الفبای یئنی سئی کشف گردید. در سال ۱۸۹۹ دانشمند روسی «یادرینتسوف»<sup>۱</sup> توانست سنگیادهای گول تیگین و بیلگه قاغان را کشف کند.

به دنبال این کشف، در سال ۱۸۹۰ یک هیئت علمی باستان‌شناسی فلانندی به سرپرستی «هئیکل»<sup>۲</sup> و در سال ۱۸۹۱ یک گروه دیرین‌شناس روسی به رهبری «رادلف»<sup>۳</sup> به منطقه اعزام شدند.

هر دو گروه از نزدیک سنگیادها را بررسی کردند و تصویر و کپی آن‌ها را به مراکز علمی کشور خود بردند. و هر دو هیئت، تصاویر سنگیادها را به صورت دو اطلس بزرگ به چاپ رسانیدند، این اطلس‌ها در سال ۱۸۹۲ به گونه‌ی چاپ عکسی و بدون آوا نوشت و ترجمه چاپ شد.

پس از نشر اطلس‌ها، دیرین‌شناسان آغاز به تلاش برای قرائت متون سنگیادها کردند. سرانجام دانشمند بزرگ دانمارکی «تامسن»<sup>۴</sup> در سال ۱۸۹۳ توانست گره‌های موجود را بگشاید و متون سنگیادها را بخواند.

او، نخست کلمات تنگری (tengri)، تُرک (türk) و گُول تیگین (gültigin) را که در متون کتیبه‌ها فراوان به کار رفته بود، توانست بخواند و سپس با استفاده از حروف به کار رفته در این سه کلمه، موفق به قرائت سرتاسر متون کتیبه‌ها شد و افتخار کسب اسرار کتیبه‌های نخستین سنگیادهای ترکی باستان را از آن خود ساخت. در سال ۱۸۹۴ نیز

<sup>۱</sup> Yadruntsev.

<sup>۲</sup> Heigkel .

<sup>۳</sup> Radloff.

<sup>۴</sup> Thomsen.

«رادلف» توانست ترجمه‌ی آلمانی این آثار را چاپ کند و این اثر در مدت کوتاهی چهار بار چاپ شد.<sup>۱</sup> سنگیاد گول تیگین به قرائت و ترجمه‌ی «تمامن» نیز چند بار چاپ شد. پس از حل معماهی حروف، «تمامن» و «رادلف» در قرائت کلمات کتبیه‌ها به رقابت پرداختند و دیگر ترکی پژوهان نیز همراه گروه کاشفان، به کشف رموز نخستین الفبای ترکی پرداختند. در آمریکا و ژاپن و اروپا، دانشمندانی پدید آمدند که عمر خود را وقف بحث و بررسی سیستم آوائی، ساختار صرف و نحو زبان ترکی باستان و شکف و قرائت کلمات و جملات سنگیادهای متعدد گوئی تورک کردند و هر سال بر تعداد کتبیه‌های کشف شده افزودند.

فرجامین اثر پژوهشی در باب دستور زبان ترکی باستان که در این سنگیادها به کار رفته، از آن پروفسور طلعت تکین بود که در آمریکا به زبان انگلیسی چاپ شد<sup>۲</sup> و نشر متون تقییدی و علمی نصیب «حسین نامیق اورکون»<sup>۳</sup> و مرحوم پروفسور دکتر محram ارجین شد.<sup>۴</sup> نخستین چاپ متن حسین اورکون در سال ۱۹۴۰ و چاپ دوم آن در سال ۱۹۸۷ منتشر شد. و متون تهیه شده از سوی مرحوم پروفسور دکتر محram ارجین بارها چاپ شده است و به عنوان درس متن در دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود.

کتبیه‌های این سنگیاد، در سال ۱۸۹۹ نیز از سوی میلی اورانسکی<sup>۵</sup> به روسی ترجمه و نشر شد. ترجمه‌ی کامل روسی آن نیز در سال ۱۹۵۱ از طرف مالوف<sup>۶</sup> عضو آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی منتشر گردید.

در ایران به قلم اینجانب، برگدان ترکی آذری این سه سنگیاد در سال ۱۳۶۱ در مجله‌ی «یئنی یول»<sup>۷</sup> و ترجمه‌ی فارسی آن در سال ۱۳۷۸ به دستیاری «کنگره‌ی جهانگیرخان

<sup>۱</sup> ۱۸۹۴/ ۱۸۹۵ / ۱۸۹۷.

<sup>۲</sup> Tekin, Talat. A Grammar of Orlon Turkic, Indiana University Publications, ۱۹۶۸.

<sup>۳</sup> Orkun, Hüseyin Namik. Eski Türk Yazıtları, Ist. ۱۹۴۰.

<sup>۴</sup> Ergin, Muhammed. Orhun Abideleri, Ist. ۱۹۸۳.

<sup>۵</sup> Melioranski P. M.

<sup>۶</sup> Malov C . J.

<sup>۷</sup> دوزگون، حسین. دیل و ادبیات‌میز، مجله یئنی یول ، ش ۳ ، تهران ، ۱۳۶۱ .

فشنایی» با نام «یادمان‌های ترکی باستان» انتشار یافت.<sup>۱</sup> در جمهوری آذربایجان نخستین بار آقای آ. م. محروم او ف در سال ۱۹۶۷ کتابی به نام «قدیم تورک رونیک یازبلی آبیده‌لر» چاپ کرد. سپس در سال ۱۹۷۶ همراه «علی عیسی شوکولو» کتاب «قدیم تورک یازبلی آبیده‌لری نین دیلی» را منتشر ساخت. علی عیسی شوکولو با همین نام کتاب مستقلی در بیش از ۳۰۰ صفحه در سال ۱۹۹۳ بیرون داد که در آن ضمن دادن نمونه‌هایی از متون سنگیادها، تلاش گسترده‌ی علمی در تدوین قواعد املاء و صرف و نحو زبان ترکی باستان کرده است. در همان سال در شهر باکو کتاب دیگری تحت نام «اورخون-یئنی سئی آبیده‌لری» از سوی دو مؤلف: ابوالفضل رجبوف و یونس محمدوف در چهارصد صفحه منتشر شد. اینان ضمن برگرفتن متون هر سه سنگیاد از نشر مرحوم پروفسور دکتر محرم ارگین و با بهره‌گیری از زحمات و پژوهش‌های آن استاد فقید، بیشتر یافته‌ها و سنگ نیشته‌های اورخون و یئنی سئی را با دادن لیست لغات و قواعد دستوری منتشر کردند. تنها ضعف کارشان اخذ متون آوانویسی<sup>۲</sup> از چاپ حسین اورکون و مالوف و بی‌اعتنایی به قرائت دقیق مرحوم ارگین است که تحلیل ریشه شناسی<sup>۳</sup> واژه‌ها را دشوار می‌سازد. مرحوم پروفسور دکتر محرم ارگین از آنجا که خود زاده‌ی ایلاتی بوده است<sup>۴</sup> و با گویش ترکی آذری از کودکی آشنا شده بود، و سال‌ها متون اورخونی و اویغوری تدریس کرده و با زبان‌های آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی و فارسی نیز آشنایی داشت، بهتر توانسته است دقایق این سه سنگیاد را کشف کند و قرائت ایشان بیشتر مقرن به صحت است. و ما هم در این کتاب قرائت ایشان را اساس قرار دادیم.<sup>۵</sup>

یک اثر با ارزش دیگری در سال ۱۹۸۰ م. از سوی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه استانبول با نام «اسکی تورکجه ده اسم - فعللر» اثر پروفسور دکتر کمال اراسلان، آسیستان استاد

<sup>۱</sup> محمدزاده صدیق، حسین. یادمان‌های ترکی باستان، قم، نخل‌های سرخ، ۱۳۷۹.

<sup>۲</sup> Transcription.

<sup>۳</sup> Etimologie.

<sup>۴</sup> آن مرحوم در شهر «موش» در شرق ترکیه در میان ایل «تره کمه» به دنیا آمده است.

<sup>۵</sup> نگارنده‌ی این سطور، متون سنگیادها را هنگام تحصیل در دوره‌ی دکتری در دانشگاه استانبول، نخستین

بار در محضر آن مرحوم در سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ آموخته و تحصیل کرده‌ام.

فقیدمان منتشر شد که گام بلندی در تدوین دستور زبان ترکی باستان «گؤئی تورک» و شکافتن واژگان متون اورخونی و ایغوری است.<sup>۱</sup>

برخی از پژوهشگران این سنگیادها حدس می‌زنند که متون کتیبه‌ها در آن عصر منظوم بوده است، حتی یکی از دانشمندان روسی، اشکال شعری و اوزان این نتها را کشف کرده و به چاپ رسانیده است. ولی به نظر می‌رسد که این برداشت درست نباشد و ناشی از وجود ریتم و آهنگ و قوافی داخلی در جملات سنگیادهای است که در زبان ترکی ذاتی و فطری است و برخی را به چنین شمبهایی واداشته است. مرحوم ارگین نیز اعتقاد براین دارد که متون کتیبه‌ها به نثری خوش آهنگ و ریتمیک نگاشته شده است.<sup>۲</sup>

همان گونه که گفتیم در کنار دشت اورخون، سنگیادها و کتیبه‌های فراوانی کشف شده است که از آن میان، سه سنگیاد زیر را در این کتاب معرفی می‌کنیم:

## ۱- ۲. سنگیاد گول تیگین

این سنگیاد در واقع تأثیرات و عشق و علاقه‌ی کم نظیر بیلگه قاغان به برادر خود را در بر دارد که برای تشکیل حکومت، جان فشانی کرد و در تحکیم و تعظیم وی، نقش عظیمی داشته است. بیلگه قاغان با چنین روحیه‌ای ستایش انگیز، به برپائی سنگیاد امر کرده است. در واقع نویسنده، سراینده و سخنگوی اصلی کتیبه‌های این سنگیاد خود «بیلگه قاغان» است.

سنگیاد گول تیگین بر روی پایه‌ای سنگی به شکل لاک پشت برقرار شده است. هنگام کشف، از روی قاعده به کناری افتاده بود. در اثر باد و باران و طوفان بخش‌هایی از نوشته‌های نقر شده، پاک شده است. ارتفاع آن  $\frac{3}{75}$  متر است. جنس سنگ از نوع مرمر ناصاف است که در قسمت‌های بالائی پهنهای آن کمتر می‌شود. دارای چهار سوی است. سوی‌های شرقی و غربی در پائین ۱۳۲ و در بالا ۱۲۲ سانتی متر است. و سوی‌های شمالی و جنوبی در پائین ۴۶ و در بالا ۴۴ سانتی متر است.

<sup>۱</sup> Eraslan, kemal. Eski Türkçede İsim Fiiller, İÜ, İst, ۱۹۸.

<sup>۲</sup> Ergin. s. ۱۳.

رأس سنگیاد و قسمت فوقانی آن به پنج سوی و پنج کتیبه تقسیم شده است. و مانند ستاره‌ای پنج ضلعی است که در هر ضلع یک تصویر اژدها دارد. در رأس سوی راست علامت قاغان حک شده است که به شکل بز کوهی است و در سوی چپ مطالبی به خط و زبان چینی نوشته شده است و معروف به «کتیبه‌ی چینی» است. سه سوی دیگر، به خط و الفبای ترکی باستان و دارای چند کتیبه است. در کناره‌های هر سه سوی و نیز در کناره‌ی سوی چینی، نوشته‌های اورخونی ترکی وجود دارد. طول سطراها ۲ متر و ۳۵ سانتی متر است. در سوی‌ها و کتیبه‌ی راست، ۴۰ سطر و در سوی‌ها و کتیبه‌های جنوب و شمال، ۱۳ سطر وجود دارد. سطراها از بالا به پائین و از راست به چپ حک شده است. طول سطراها بطور متوسط ۲۳۵ سانتی متر است. حرف‌ها بسیار با نظم و ترتیب حک شده است و با سلیقه‌ی خاص و نظم ترکی ترتیب یافته است، به گونه‌ای که در نظر اول شبیه جدول می‌نماید.

در کتیبه‌ی چینی سنگیاد، از دوستی ترکان و چینیان، از عزت امپراطوری ترک و حشمت بیلگه قاغان سخن رفته است. در پایان مطالب چینی، جملاتی نظیر: «این سنگیاد را برای عبرت آیندگان برپا ساختیم.» و «این سنگیاد را چون کوه به یاد این بزرگان برای آیندگان بر جای نهادیم.» و تاریخ کتابت حک شده است.

در کنار این سنگیاد، راهی به طول ۵ - ۴ کیلومتر وجود دارد که طول راه پر از سنگیادها و پیکره‌های کوچک و بزرگ و مجسمه‌های سنگی است و در همین مسیر سر پیکر سنگی گول تیگین و تنی پیکر همسر او و بخشی از صورت وی کشف شده است. پیکره‌ها، طبق سنت کهن ترکی در فاصله‌های ۵ - ۴ متری و رو در روی هم چیده شده‌اند و معروف به «بالبال» اند. بالبال عبارت از مجسمه‌های خشن و بد هیئت دشمنانی بود که قهرمانان در طول زندگی خود آنان را نابود می‌کردند، و اغلب از سنگ سیاه ساخته می‌شد. در حمامه‌های کهن ترکی، «بالبال» به روسياهی و دلسياهی وصف شده است و حیله و نيرنگ صفت اصلی صاحبان بالبال‌هاست که فقط با اين حيله، گاه می‌توانند قهرمانان ترک را از پای درآورند. در غمنامه‌ی آلپ ارتونقا (= افراسياب) نيز دشمن سیاه چرده، بالبال ناميده شده است. سنگیادها را در اصل فرهیختگان و هنرمندان با استعداد ترک برپا کرده‌اند و در ساختن و برپائی آن، بويژه در بخش چينی از غالaman چين نيز استفاده شده است. کتیبه‌های اين

سنگیاد از زبان «بیلگه قاغان» و «یوللوق تیگین» برادرزادهی «گول تیگین» بیان شده است.

گول تیگین سردار بزرگ، برادر کوچک بیلگه قاغان، بسیار جسور و شجاع بوده است. بیلگه قاغان پس از آن که بر تخت امپراطوری جلوس می‌کند، او را به فرماندهی سپاه بر می‌گزیند. وی در مدت فرماندهی تا مرگ خود در ۷۳۱ م. چندین سرزمین را در شرق و غرب فتح می‌کند و قلمرو امپراطوری گویی ترکان را گسترش می‌دهد و در جنگ‌هایی که در پنج سال آخر عمر خود (۷۲۶ – ۷۳۱) شرکت می‌کند، هیچ گاه شکست نمی‌خورد.

همان‌گونه که گفتیم متن سنگ نبشته‌ی سنگیاد گول تیگین از زبان بیلگه قاغان بیان شده است. بیلگه قاغان در این متون از زحماتی که برادرش و نیز خودش برای حفظ عزت مردم کشیده‌اند و نیز از پیروزی‌ها و شجاعت سران سپاه سخن می‌گوید و از مرگ برادر اظهار تأسف می‌کند.

به گفته‌ی فراهم آورندگان «اورخون یئنی سئی آبیده‌لری»: «در جهان تاکنون هیچ پادشاهی این گونه درباره‌ی برادر کوچک خود با صمیمیت سخن نگفته است.»<sup>۱</sup> بیلگه قاغان برای دفن جسد برادرش، مراسمی بسیار با شکوه برپا می‌سازد و حتی دولت چین برای شرکت در این مراسم، هیئت سیاسی عالی رتبه اعزام می‌کند.

سنگیاد گول تیگین را بیلگه قاغان در تابستان ۷۳۲ م. برپا ساخته و کار نقر و حک کتیبه‌های آن در زمستان سال ۷۳۳ م. به فرجام رسیده است. این سنگیاد در واقع در مرکز معبد و مجموعه‌ای قرار داشته است که در دیوارهای سنگی معبد، صحنه‌های نبرد گول تیگین به تصویر درآمده بوده است.

کول تیگین «kültigin» یا کول تگین «kültegin» و النهایه گول تیگین «Gültigin» سردار بزرگ گویی تورک در سال ۶۸۴ م. چشم به جهان گشوده و در ۲۷ شباط ۷۳۱ م. در «ماکاگورگان» در آسیای میانه چشم از جهان فرو بسته است.

چنان که گفتیم او، فرزند ائلداریز قاغان و برادر بیلگه قاغان بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و از سال ۶۹۸ م. همراه برادرش بیلگه قاغان و عمویش قاپغان قاغان (حکومت

<sup>۱</sup> رجبوف، ابوالفضل - و - محمدوف، یونس. اورخون یئنی سئی آبیده‌لری ، باکو ، ۱۹۹۳. ص ۵۸.

۶۹۲ – ۷۱۶ م.) جنگید و در سال‌های ۷۰۴ – ۷۰۵ م. با دولت چین نبرد کرد و پیروز شد و در سال ۷۱۰ دامنه‌های کوه «کوگمن»<sup>۱</sup> و استپ‌های سونقا<sup>۲</sup> را به تصرف خود درآورد. همان گونه که گفتیم، نخستین ترجمه‌ی ترکی این سنگیاد از آن «حسین نامیق اورکون» است که در سال ۱۹۴۰ منتشر یافت. وی ویرایش جدید آن را در سال ۱۹۸۷ منتشر ساخت. اما پژوهش نهایی و برگردان علمی آن را مرحوم پروفسور ارگین به فرجام رسانید. نشرها و ترجمه‌های دیگر که در باکو و جاهای دیگر انجام پذیرفته، متکی بر تحقیقات آن مرحوم است.

## ۲-۲. سنگیاد بیلگه قاغان

این سنگیاد در همان مکان و یک کیلومتر دورتر از سنگیاد گول تیگین قرار دارد. شکل و ترتیب و ساخت آن، کاملاً شبیه سنگیاد گول تیگین است. در این سنگیاد در کتبیه‌های سوی شرقی حداقل ۴۱ سطر و حداقل ۱۵ سطر وجود دارد. در کتبیه‌های سوی چپ سنگیاد یک کتبیه به خط و زبان چینی موجود است که تقریباً محو شده است و بر صدر آن کتبیه‌ای ترکی نقش بسته است. بقیه کتبیه‌های سنگیاد، همگی به خط و زبان ترکی باستان است.

سنگیاد بیلگه قاغان در سال ۷۳۵ م. یک سال پس از مرگ او از سوی فرزندش برپا شده است. در کتبیه‌های این سنگیاد نیز بیلگه قاغان است که سخن می‌گوید. نخستین ۸ سطر از سوی شمالی سنگیاد، شبیه سوی جنوبی سنگیاد گول تیگین و نیز سطرهای ۳۴ – ۲ از سوی راست، شبیه سطرهای روپروری جبهه‌ی راست سنگیاد گول تیگین است که دنبال آن‌ها، شرح وقایع پس از مرگ گول تیگین افزوده شده است. این سنگیاد سرنگون شده است و به صورت شکسته و چند قطعه کشف شده است. پاک شدگی و سائیدگی و خراب شدگی آن بیشتر است. این سنگیاد را یوللوق تیگین برادرزاده‌ی بیلگه قاغان نگاشته و حک کرده است.

<sup>۱</sup> Kögmen.

<sup>۲</sup> Songa.